مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۶۴
شنبه ۲۱مهر۱۳۵۸- تکشماره ۱۰ ریال

بی تفاوت شدن جامعه نسبت به یك انقلاب، مرك آن انقلاب است

عمال امپریالیسم از هرباره در تلاشند که مردم را نسبت به انقلاب بی تفاوت ونسبت به رهبران انقلاب بدبین کنند. نباید به‌ضد انقلاب بهانه داد

انقلاب بزرگ مردم ایران، برهبری امام‌خمینی، درمرحله اول‌آن، یعنی مرحله برانداختن رژیم استبدادی ودست نشانده و غارتگرپهلوی، براوج‌موج‌نیرومند شوروهیجان بی‌همتاوبی‌سابقه انقلابی مردم، به‌پیروزی رسید. این‌حادثه شگرف ایران، منطقه وجهان‌را تکان‌داد.

امپریالیسم و قشرهای ارتجاعی و محافظه‌کارجامعه مادرمرحله‌اول کوشش بسیاری بکاربردند تامانع‌بسط انقلاب و پیروزی آن‌شوند. ولی به‌برکت اتحاد و هشیاری مردم ودرزیر شعارهای قاطع و درست امام‌خمینی علیه‌سلطنت‌استبدادی، تمام دسایس‌عقیم ماند.

انقلاب وارد مرحله دوم خود شد، مرحله انتقال، یعنی‌مرحله‌ای که **هنوز** بساط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، سیاست داخلی و خارجی **رژیم گذشته** کاملا برچیده‌نشده، **وهنوز**مبانی‌اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، سیاست داخلی وخارجی **رژیم انقلابی‌نوزاد** استقرار نیافته‌است.

در این مرحله انتقالی، ای چه‌بسا انقلابها که وا‌نده‌اند، منحرف شده‌اند، سقط‌شده‌اند، تغییررنگ داده‌اند، شکست خورده‌اند، زیرا دراین‌مرحله انتقالی کار امپریالیسم و نیروهای محافظه‌کار و ضدانقلابی داخلی از مرحله پیشین **بمراتب آسانتر** وبرعکس‌کار نیروهای انقلابی **بمراتب‌دشوارتر**است.

چرا کار ضدانقلاب بس‌آسانتر است؟ زیراآن موجود موردتنفر عموم، که در پرتو مبارزه برای برافکندنش، همه متحدبودند، دیگرنیست و ضد انقلاب میتواند خود را در جامه‌های مختلف «چپ»، «ملی»، «دمکراتیك»، «مذهبی» مستورسازد وبا استفاده از اینکه نظام گذشته، طی پنجاه سال، روحیات خاصی ایجادکرده، باهزارزبان وآنهم اینباراز موضع «اپوزیسیون»، علیه‌قدرت انقلابی، که‌نضج نگرفته و سخن و عملش تجلی عینی وواقعیت نیافته، مبارزه‌کند و از

بقیه درصفحه ۴

یگانه راه حل مسئله کردستان:

حل مسالمت آمیز

و مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد

درپیوند باحوادث اخیر کردستان، روزنامه‌ها اخباری درباره اقدامات دولت منتشر کردند. این اخبار، بطوریکه از مجموع آنها برمیآمد، حاکی ازآن بودکه درجنب تدابیر نظامی، تدابیر سیاسی نیز درمرکز توجه‌دولت قرار گرفته‌است. ازجمله گفته شده است که‌آگاهان امور دولتی، گزینش «راه‌حلهای نهائی سیاسی ونظامی» را موکول به بازگشت وزیر دفاع ملی ازکردستان میدانند.

از اینکه راه‌حل سیاسی نیزمورد توجه دولت قرار گرفته و آقای دکتر چمران نیز گفته است که «نباید راه‌حل سیاسی وعمرانی رافراموش کرد» و آقای داریوش فروهر در راه‌حل سیاسی مسئله کوششهای امیدبخش سابق خود را ادامه داده است، صمیمانه خوشنودیم، زیرا در این اظهارات‌وزیردفاع، عنصر درك‌منافع واقعی ایران بتدریج جای خودرا باز می کند وآقای وزیرمشاور، پیگیری‌خود را دریك‌امر عمیقاً انسانی ودرست‌نشان داده است.

ولی آن اخباری که درمورد تدارك لشکرکشیهای جدید و حتی آوردن «داوطلب عشایر» ازدیگر استانها برای «سرکوب کردستان» انتشار یافته‌است، مایه‌نگرانی‌عمیق ماست. زیراکه این‌راه، باجستجوی راه‌حل سیاسی وعادلانه‌مسئله عمیقاً متناقض است وعلاوه‌براین‌احتمالا عواقب‌وخیمتری‌رابدنبال‌خواهدآورد، که ازجهتی‌بزرگترین وازجهتی کوچکترین آنها ریختن خون برادر بدست برادر، ایجادخصومت میان خلقها و پیروان عقیدتهاست، که‌چون سم‌قاتل، برای‌جامعه ما وانقلاب ما کشنده است.

ما برای بار هزارم خطاب به زمامداران جمهوری اسلامی ایران تکرار میکنیم، شما طبق اصول انسانیت وموازین جمهوری‌اسلامی، ستم‌ملی رااز گردن خلق کرد بردارید، اصل خودمختاری یا خودگردانی را رسما اعلان وعملا اجرا کنید، که این برای نجات کردستان‌ازتوطئه امپریالیسم وصهیونیسم وارتجاع، چنان اثرپربرکتی ببارخواهد آوردکه نیرومندترین ارتشها وقویترین سلاحهای جهان از ایجاد چنین اثری عاجز مطلقند.

این راه، راه تامین عدالت، تحکیم برادری وتقویت دوستی میان خلقهای ایران وبالابردن کیفیت تمامیت ارضی و استقلال ملی و وحدت کشور ایران به سطح بکلی جدید وعالی است.

ما از تکرار پیشنهاد حزب توده ایران، که‌یگانه راه‌حل‌مسئله کردستانست، خسته نمیشویم و عمیقاً امیدواریم که رهبران جمهوری اسلامی ایران به این پیشنهاد عمیقاً انقلابی، انسانی ومیهن‌پرستانه‌توجه کنند.

حزب توده ایران راه حل مسالمت‌آمیز ومبتنی بر رفع ستم‌ملی‌ازخلق کرد را یگانه راه حل‌مسئله کردستان میداند وآماده است دراین راه با تمام نیرو و امکانات خود به دولت موقت جمهوری اسلامی ایران صادقانه یاری کند.

اختناق-سبب پیدایش، نتیجه و عواقب آن

اختناق، بعنوان وسیله تحمیل اراده طبقه حاکمه بر خلق، وقتی پدید میآید که منافع آن طبقه حاکمه با منافع خلق در تضاد قرارگیرد. طبقه حاکمه دوران «آریامهری»، سرمایه‌داری بزرگ و زمینداری بزرگ وابسته نمیتوانست بدون اعمال اختناق حکومت کند، زیرا منافع‌آن در قطب مقابل‌منافع خلق زحمتکشان ومحرومان شهروروستا وروشنفکران خدمتگزار مردم بود. طبقه حاکمه ضدخلقی ازآزادی بیان، عقیده قلم، احزاب... یعنی‌آزادیهای دمکراتیك بطورکلی، چون جن از بسم‌الله میترسد، زیرا این آزادیها «بسم‌اللهی» است بسیجنده مردم علیه «جن». از اینرو اختناق برای طبقه حاکمه ضد خلقی هم‌وسیله اعمال قدرت و هم وسیله بقاء است، هم وسیله تامین منافع خود از طریق دستبرد به منافع خلق است وهم وسیله‌ای برای حفظ موجودیت خویش دربرابر واکنش خلق.

ولی درآخرین‌نتیجه، اختناق قادر به حفظ موجودیت رژیم ضد خلقی، حکومت طبقه حاکمه ضد خلقی نیست. اختناق فقط‌برای‌مدت معین، بیش‌وکمی «فنر» خشم مردم را میفشرد و درنتیجه برقدرت واکنش‌آن صدچندان میفزاید ودرشرایط کمابیش مساعد، این‌فنرفشرده شده، ناگهان می‌جهد وموانع را قویاً میپراند. پس اختناق در نهایت، چاره درد رژیمهای‌ضدخلقی نیست. مثال‌ایران «آریامهری»، اتیوپی «هیلاسه‌لاسی»، یونان «سرهنگان‌سیاه»، پرتقال «سالازار- کائتانو» وغیره. **آزادی به بندکشیده شده، قفس اختناق را میترکاند.**

اختناق، بعنوان وسیله اعمال‌قدرت ممکن است ناگهانی، صاعقه‌وار، بدنبال یك کودتای ضدخلقی پدیدآید و نیز ممکن‌است خزنده پیش‌آید، اندك اندك چارچوب آزادیهای دمکراتیك را تنگ و تنگتر کند و سرانجام مسلط گردد.

حالت دوم، یعنی اختناق خزنده، زمانی برای پیدایش و پیشرفت زمینه پیدا میکند که زاویه متمایدی بین‌منافع طبقه حاکمه و خلق بوجود آید. طبقه حاکمه راهی‌جدا از منافع خلق در پیش گیرد، دچار انحراف گردد. این حالت حتی میتواند برای حکومتهائی که صفت‌خلقی را میتوان برآنها نهاد، پیش‌آید. در نتیجهٔ تنگ نظریهای طبقاتی، کوته‌بینی‌ها، تناقضات گروهی درون هیئت حاکمه وعوامل دیگری که سرانجام‌منافع هیئت حاکمه را ازمنافع‌خلق جدامیکند هیئت حاکمه برای اعمال قدرت خشن، ازجمله بوسیله اختناق کشانیده میشود.

در هرحال، اختناق موجب سلب آزادی عقیده و بیان و .... منع انتقاد سازنده وارائه طرق رفع‌مشکلات‌مبتلابه

بقیه درصفحه ۳

حزب شهدا

وارد دفتر دبیرخانه کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران که میشوی، روی میز رفیق مامور انتظامات، در میان انبوه گلهای تهنیت‌وشادی به‌مناسبت‌سی‌وهشتمین سالگرد تأسیس‌حزب طبقهٔ کارگر ایران‌وانتشارمجدد «مردم»، گلدان گل زیبائی است‌که رنگهای‌سرخ گلهایش خود را به چشم بیننده میکشد. کاغذی، که روی‌آن‌جملات نقش‌زده‌است، به‌گلها چسبانده‌اند. نوشته راکه میخوانی، گوئی آتشی بداخل رگهایت زبانه میکشد. سخن بسیارکوتاه، ولی بس گیرا ونافذ است. کلمات‌گوئی باابدیت پیوند دارند. از زجر و رنج ۳۸ سال مبارزه بخاطرسعادت انسانها سخن میگویند. الفاظ باآخرین ندای جانبازان راه مردم پیوند مییابند وفریاد تیرباران شده‌ها، که سرود «زنده باد حزب توده ایران» را میخواندند، برقلب انسان مینشینند.

کوتاه سخن، برگل سرخ وفاداری نوشته‌اند،

ازطرف همسرآذرنوش‌مهدویان
به حزب آذرنوش

آموزش سیاسی آری. تبلیغ سیاسی نه!!

درآغاز سال تحصیلی، آقای‌رجالی کفیل‌وزارت آموزش وپرورش، طی‌مصاحبه‌ای اعلام داشت که تبلیغات سیاسی درکلاس‌درس مجازنیست. این‌بیان با مخالفت‌آشکار بسیاری ازمحافل اجتماعی، سازمانها، گروهها، پدران ومادران و دانش‌آموزان روبرو شد. درمصاحبه‌هائی که‌خبرنگاران صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران بادانش‌آموزان مدارس مختلف تهران انجام‌دادند، بسیاری ازآنان بااین‌گفته کفیل وزارت آموزش وپرورش مخالفت‌کردند وآنراتوهین به‌خود دانستند. یك‌دختردانش‌آموز گفت: مابه‌آن درجه از رشدسیاسی رسیده‌ایم که‌بتوانیم درباره‌مسائل‌سیاسی اظهارعقیده کنیم وچراجای این اظهار عقیده کلاس درس‌نباشد؟

درمصاحبه مجددی‌که خبرنگار رادیو اخیراً باآقای رجائی انجام‌داد، وی باردیگر درتائید گفته‌های پیشین خود تأکید کرد که،

«آموزش سیاسی درکلاسهائی ازقبیل علوم اجتماعی وانسانی‌آزاد میباشد، اما تبلیغ سیاسی به‌هرصورتی‌که‌باشد، درکلاس درس ممنوع است.»

وی افزود، «دانش آموز باید به مکتبهای سیاسی آشنا باشد. توضیح‌مکاتب‌سیاسی درمدارس، درکلاس‌مربوطه آزاد است.»

ازگفته آقای‌کفیل آموزش و پرورش برای ما این سئوال پیش می‌آیدکه مکاتب سیاسی‌را معلم چگونه به‌دانش آموزان خواهدآموخت؟ آیا تلقی ودرك شخصی خود را از این مباحث بیان خواهد داشت؟ که دراینصورت افرادمختلف برحسب‌عقاید سیاسی‌وایدئولوژیك ودرك طبقاتی خود، تلقی متفاوتی از مکاتب سیاسی خواهند داشت. یکی‌نظام سرمایه‌داری رانظام ستم‌واستثمار میداند، دیگری آنرابهبود جامعه بشری میشمارد. یکی‌آنرا نظام ابدی میبیند، دیگری آنرا برلب‌گور.

یکی جهان‌بینی‌مارکسیسم - لنینیسم را، جهان‌بینی علمی‌طبقه‌کارگر ورها کننده‌زحمتکشان‌ازستم‌استثمار میشناسد، دیگری آنرا یك جریان انحرافی و گمراه کننده ابناء بشر میداند. بنظر آقای کفیل وزارت آموزش و پرورش کدامیك درست میگویند وبراساس کدام ضابطه ومعیار؟ و اگر فرض کنیم که‌آموزش سیاسی دانش‌آموزان، طبق‌تلقی شخصی معلم نیست تا سلیقه‌های شخصی درآن دخالت کند، بلکه طبق متون تهیه شده‌ازسوی وزارت آموزش و پرورش است، آنوقت باید دید این متون چگونه تهیه شده است؟ در زمان شاه‌مخلوع، دربرخی‌ازدانشگاههای کشور، بدانشجویان «مارکسیسم» می‌آموختند، اما مارکسیسمی که بهمه‌چیز شباهت داشت، بجز به‌مارکسیسم واقعی. مارکسیسمی مسخ و دگرگون، زیرا قلم در دست دشمنان مارکسیسم بود. آیا تضمینی است که اکنون آموزش سیاسی دانش‌آموزان بر ملاکهای علمی استوار باشد واز اعمال غرضها مبرا؟ وتازه درکلاس‌آموزش سیاسی، آیا دانش‌آموزباید فقط گوش‌باشد، یاحق‌اظهار نظر وعقیده‌را داراست؟ واگر دانش‌آموزی‌عقیده خود رابیان‌داشت، به‌تعبیروزارت آموزش‌وپرورش پااندازه

بقیه درصفحه ۲

سفیر جمهوری اسلامی ایران درپاریس:

فکرواندیشه درحکومت انقلابی‌مامحکوم‌نیست

دکتر شمس‌الدین امیرعلائی، سفیرجمهوری اسلامی ایران در پاریس، طی نامه‌ای که برای روزنامهٔ اطلاعات فرستاده ودرشمارهٔ ۱۸مهر آن روزنامه درج شده، به مهملات فرح، زن شاه مخلوع، که بصورت یك مصاحبه در یك روزنامهٔ فرانسوی انتشاریافته، پاسخ گفته وبه‌افشای رژیم‌منفور پهلوی‌پرداخته ودرمقابل، آن‌اصول‌وموازینی‌راکه‌رژیم‌جمهوری اسلامی ایران باید ازآن پیروی کند، برشمرده است. بخشی ازآن مصاحبه واین پاسخ‌را عیناً «نقل‌میکنیم».

فرح میگوید، «هنگامی که من‌ازکشورهائی بازدیدمی کردم که درآنهاانقلابی رخ‌داده بود، به‌خود میگفتم این‌وقایع ممکن است برای ایران هم اتفاق بیافتد. در این صورت میبایستی کاری کردکه امربخوبی بگذرد من‌به گفته‌های لنین میاندیشیدم‌که میگفت همه‌چیز متعلق به‌ملت است.»

امیر علائی پاسخ میدهد، پیش‌بینی شما قابل تقدیر است، زیرامیدانستید شوهرتان وشما چه‌بروزگار این مردم ستمدیده آورده‌ایدکه عواقب آن‌قابل پیش‌بینی بود و شما باهوش سرشاری‌که دارید، احتیاط را ازدست نمی‌دادیدونقشه می‌کشیدیدکه‌چطور باید ازاین‌ورطه بخوبی نجات‌یافت. الحق شما طراح قابلی هستید. ثروت مملکت را بلع کردید وباخود بردید وایرانی ویران برای‌ما باقی گذارید. اگرلنین گفته است، همه‌چیزمتعلق بملت‌است. به‌آن عمل‌کرد وباخودچیزی به‌گور نبرد وهمه‌چیز راواقعاً برای ملت‌خود خواست وشما و شوهرتان ملت‌را غارت‌کردید، سوزاندید و کشتید و شکنجه کردید وفرارکردید. این‌را میگویند قیاس مع‌الفارق. کردار شماکجا وعمل‌لنین کجا!

مخبرفرانسوی‌مینویسدکه، «فرح‌ازپیشرفت‌سوسیالیسم در ایران بیمناك است و میگوید قبلا شاه وجود داشت و قادربود جلوآنرابگیرد. امادرحکومت وحشت‌است، حکومت بعضی ملاها که دین‌را وسیلهٔ انتفاع شخصی قرارداده‌اند ونه برای بهبود وضع مردم.»

امیر علائی پاسخ میدهد،

همسر شاهم بهمین عنوان جوانان مارا میکشت واز سوسیالیست بدروغ می‌ترسید و این مطلب را بهانه برای ارعاب خارجیان ودستاویزی برای غارت بیشتر مملکت قرار داده بود. هرکس صدائی از آزادیخواهی بلند می‌کرد، چه‌مصدقی، چه‌توده‌چه‌چپ‌وچه‌راست، برچسب تهمت سوسیالیست بودن وکمونیست بودن یامارکسیست اسلامی بودن، که‌اختراع خودتان بود، می‌زدید ورواندشکنجه‌گاه وزندان می‌شدوعاقبت جان به جان‌آفرین‌تسلیم می‌نمود. هرکس دارای فکرواندیشه بود، بهمین سرنوشت دچار بود. مگر مارکسیست، یاصاحب هرعقیده، نباید درنظر خودآزاد باشد؟ فکر واندیشه‌درکشور انقلابی‌ما محکوم نیست، امااکثریت مسلمانان، حکومت می‌کنند واقلیت‌هم آزاد است‌که بیان عقیده کند. کسی به جرم داشتن عقیده محکوم واعدام نمی‌شود، اما شما بجرم خواندن کتاب‌ویا اظهارعقیده همه‌را محکوم‌می‌کردید. اگرکسی‌بدون تمجید یاصلوات نام شمارا می‌برد، جانش درخطر بود. اگر عکس شمارا در جراید بلندتر از همسرتان می‌گذاشتند، یا عکس دلخواه‌شوهرتان‌را نمی‌گذاشتند، اداره امنیت‌سرمی‌رسید ونتیجه معلوم بود. چه‌هاکه‌نکردید و نتیجه آن شد که دیدید.

سوسیالیست آدم‌خور نیست، واقعیتی است عینی که آنرا انکار نمی‌توان‌کرد، اما عقیده اکثریت همیشه در دموکراسی محترم است، این‌است نظرحکومت فعلی ایران. دیگرمردم گول‌الفاظ توخالی شمارا نمی‌خورند.

اگر معتقدید چون شاه وجود داشت، جلوی افکارتند گرفته می‌شد، اشتباه‌است. عکس‌العمل کارهای‌شما بود که‌صاحبان عقیده مخالف را تقویت کرد و مخفیانه به‌عمل پرداختند و قوی‌تر شدند. مگر در سایر نقاط‌جهان کمونیست وجودندارد؟ آیا آنهارا خفه میکنند؟ نه. در مملکت ماهم آزادی به‌قسمی است‌که هیچ کس متعرض صاحبان عقیده نیست. می‌گوئید بعضی ملاهادین‌را وسیله انتفاع قرارداده‌اند. ممکن است چنین باشد. درهمه جای دنیا در هرطبقه اشخاص نایاب یافت می‌شود. آنها ملانما وروحانی‌نما هستند نه‌روحانی که ازجامعه طردمی‌شوند، کمااینکه تاحال شده‌اند، وحساب آنهاهم باید رسیدگی شود. این مربوط به‌روحانیون واقعی نیست. هیچکس طرفدار آنها نیست. کار بداز هرکس سربزند، قابل اغماض نیست. خودمن در سفارت پاریس یك روحانی‌نما را ازتمام امتیازات محروم کردم ودر جراید بانام‌ونشان اورا طردکردم واورا غیرصالح تشخیص دادم.

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود

چرا شرکت کنندگان در توطئه خائنانه ۲۸ مرداد هنوز آزاد باشند؟

آیا کسانی‌که با توطئه علیه دولت ملی دکتر مصدق زمینه لازم را برای‌موفقیت کودتای ۲۸ مرداد فراهم‌کردند و در به‌ثمر رساندن نقشه کودتا نقش موثر ایفا نمودند و موجب شدند که در ایران، ظرف ۲۵ سال، وحشتناکترین جنایات علیه‌استقلال کشور وآزادی مردم صورت گیرد، باید پس‌از انقلاب عظیم ایران نیز آزاد باشند وحتی درمورد مسائل مملکتی نیز اظهارنظر کنند!؟

آیا تحریکات و توطئه‌های اشخاصی‌مانندمظفر بقائی‌کرمانی، شمس‌قنات آبادی، مکی‌وهمکاران آنان، که اززمان قبل‌از کودتای ۲۸ مرداد، بمنظور ساقط کردن دولت مصدق‌آغازشده‌بود، فراموش شده است!

همه میدانند که گروه به اصطلاح «اقلیت» آنروز، پنهانی با شاه مخلوع ارتباط داشت و عامل اجرای دسیسه‌های او و اطرافیانش نظیر اشرف بود. همچنین همه بخاطر دارندکه مظفر بقائی، بقصد تضعیف‌دولت دکتر مصدق، باطرح توطئه‌ای، افشارطوس‌رئیس شهربانی‌وقت‌را، بامشارکت افرادی چون حسین خطیبی، سرتیپ مزین و سرتیپ زاهدی بقتل رساند، پس‌ازکشف توطئه، شرکت‌کنندگان، ازآنجمله مظفربقائی، بازداشت شدند، ولی دولت کودتا آنها را آزادکرد و تعقیب قاتلان‌رئیس‌شهربانی‌دکتر مصدق موقوف شد.

چه‌کسی است‌که ملاقاتهای محرمانه مظفر بقائی کرمانی را با اردشیر زاهدی فراموش‌کرده باشد وچه‌کسی‌است‌که نداندحکم غیرقانونی عزل دکتر مصدق از نخست‌وزیری، بوسیله اردشیر زاهدی در اختیار مظفربقائی قرار گرفت و شخص اخیر آن حکم را در روزنامه شاهد منتشر کرد!

آیا اینهمه جنایت دلیل کافی برای تعقیب کسانی نظیر مظفربقائی بوسیله دادگاههای انقلاب اسلامی نیست!

ولی‌مردم میبینند که مظفر بقائی نه‌فقط آزاد است، بلکه «حزب» خود، «حزب‌زحمتکشان ملت ایران»، راهم دائرکرده‌است وبنام «رهبر» این «حزب»، فعالیت میکند ووادسخن میدهد!

مردم انتظار دارندکه‌مظفر بقائی و همدستانش بجرم توطئه علیه دولت ملی دکتر مصدق و مشارکت درقتل، تسلیم دادگاه انقلاب گردند وبهر نحوکه‌عدالت ایجاب میکند، مجازات‌شوند.

تعقیب ومجازات این‌خائنین براعتماد مردم، بربی‌نظری و قاطعیت دادگاههای انقلاب‌خواهد افزودوجرات‌توطئه علیه‌جمهوری اسلامی‌را از افرادی نظیر مظفر بقائی سلب خواهدکرد.

ضدانقلاب ازجمله‌بدینوسیله است‌که تضعیف وسرکوب‌میشود.

فراموش‌نکنیم‌که موفقیت کودتای ۲۸مرداد، دوران‌جدیدی رابرای‌تسلط امپریالیسم‌غارتگر امریکا درایران بهمراه آورد. انعقادقرارداد خائنانه نفت، ایجاد پایگاههای نظامی امریکا، انعقاد پیمان تجاوزکارانه سنتو، قرارداد کاپیتولاسیون به‌نفع اتباع امریکا، ورود مستشاران امریکائی، شرکت موسسات غارتگر امریکائی در بانکداری، بیمه و فعالیتهای صنعتی وساختمانی کشور، انعقاد قرارداد نظامی دوجانبه‌باامریکا، که‌متاسفانه هنوزهم لغو نشده و بالاخره خرید میلیاردها دلار اسلحه ازامریکا، که صرفاً بخاطر سرکوب جنبش‌های ملی وآزادی خواهانه درایران و منطقه بود و غیره‌وغیره، همه اثرات نکبت‌بار آن‌کودتای ننگین‌است. آیاشرکت کنندگان دراین کودتا بایدهنوز آزادانه برای خودبگردند وحتی دست به‌فعالیت سیاسی بزنند!

پاکسازی، چه پاکسازی؟

۷ماه بعدازپیروزی انقلاب‌خونین مردم، هنوز «دستورروز» روزهای پیروزی انقلاب، همچنان به‌قوت‌خود باقی است. این «دستورروز» که بارشد سرطانی فعالیت ضدانقلاب، هرروزبراهمیت‌آن افزوده‌میشود، «پاکسازی» همه ارگان‌ها وسلول‌های اجتماع است.

البته هیچکس‌با اجرای این «دستورروز» مخالفت ندارد و همه در حرف، آن‌را تائیدمیکنند، اماوقتی‌نوبت به‌عمل‌میرسد، متاسفانه‌ازدودیدگاه نادرست به‌آن پرداخته میشود.

دیدگاه اول، که درنهایت نقطه‌نظر محافل بورژوآزی لیبرال را بازتاب میدهد وتاکنون دهها‌بار دراظهارات برخی از مسئولان دولتی صریحاً عنوان‌شده است، پاکسازی‌را تاهمین‌حد که انجام‌شده، یعنی برکناری تعدادی‌از صاحبان منصب درردیف وزیران‌ومعاونان‌ومدیرکل‌هادر ادارات وبازنشسته کردن قلیلی‌ازامرای‌ارتش، کەدرنهایت تنهاذره‌ای ازقشر بالائی دستگاه عظیم بورکراسی رژیم گذشته را شامل میشود، کافی‌میداند. کسانیکه‌ازاین دیدگاه‌دفاع‌میکنند، به‌بهانه اینکه «نظم‌بهم‌میخورد»، «هماهومیشود» و... در واقع برای انبوه کارگزاران رژیم شاه مخلوع که همچنان بین‌مردم و در حساس‌ترین ارگانهای کشور به‌فعالیت مشغولند، حکم عفو صادرمیکنند وآنها راآزادمیگذارند تاهرآشی دلشان خواست، باتوطئه وتفتین، برای انقلاب بپزند. این دیدگاه، سبب شده که با مسکوت گذاردن اسامی مأموران ساواك، که لیست آنها در اختیار دولت است، و جلوگیری ازپاکسازی‌بنیادی‌ادارات ودستگاههای‌اجرائی وارتش وشهربانی وژاندارمری، دستگاه دولتی سابق د مجموع خود تاحد زیادی دست‌نخورده بماند.

دیدگاه دوم، ازافقی تنك نظرانه وانحصار طلبانه بمسئاله پاکسازی توجه میکند. مدافعان این‌دیدگاه نه تنهاپاك سازی را **درعمل**، به جای اینکه متوجه عوامل ساواك و سرسپردگان رژیم سابق بکنند، بسوی **«چپ‌ها»** گرفته‌اند.

ازدیدگاه‌تنك‌نظرانه‌وانحصارطلبانه معتقدان به‌این نوع «پاکسازی»، هرکس کوچکترین انتقادی ازدولت بکند «چپ» است. هرکس‌افق تنگ نظرات آن‌هارا نپذیرد ودرباره آن چندو چون کند «چپ» است. هرکس‌برداشتها و عقاید قشری را نپذیرد، «چپ» است. عناصرصادق‌چپ وانقلابیون‌راستین، کەدرمبارزه بارژیم‌خونخوار شاه مخلوع درخط اول مبارزه بوده‌اند هدف «پاکسازی» قرار میگیرند. ومتاسفانه با این بر چسب «چپ» عناصر صادق جدی وانقلابیون راستین راکه در مبارزه با رژیم خونخوار شاه مخلوع‌درخط اول‌مبارزه بوده‌اند هدف‌پاکسازی قرار میگیرند و با کمال تأسف مواردی که عناصر صادق‌وانقلابی را ازادارات و ارگان های مختلف بابرچسب‌چپ بودن اخراج‌میکنند رویفزونی است‌وبیانیه‌کمیته مرکزی‌حزب‌تودهٔ ایران دربارەاین شیوه خطرناك به اصطلاح پاك سازی آمده‌است.

«اخراج کارگران ومهندسان به اتهام «چپ بودن»، که درهفته‌ها و روزهای اخیر دربسیاری ازکارخانه‌های ایران از طرف راست گرایان انحصارطلب صورت میگیرد، خطری بزرگ در بردارد. این‌اقدامات‌بازتاب این‌واقعیت‌اجتماعی است‌که سرمایه‌داری متوسط وکوچك و خرده بورژوازی مرفه، درمقابل مطرح شدن خواست حقه‌زحمتکشان ومحرومان شهرو‌روستا مقاومت به‌خرج‌میدهندوبرآوردن کامل این خواستهارا مخالف منافع‌خود میدانندومی‌کوشندبرآوردن این‌خواستهارا در چارچوب حداقل ممکن محدود سازند».

انجام «پاکسازی» به هریك از شیوه‌های بالا، فقط و فقط سودش به ضدانقلاب میرسد، زیرا هردو شیوه بالا به‌یك هدف واحدمیرسد، در سایه نگهداشتن هزاران عامل ساواك و وابستگان به رژیم سابق وبازگذاشتن دست‌آنها برای فعالیت.

انجام‌پاکسازی به‌شیوه‌هائی که آمد ویاعدم اجرای یك پاکسازی انقلابی خطر بزرگی‌است که انقلاب‌را پیوسته تهدید می‌کند. بکاربردن این شیوه‌ها به پرورش همان مار معروف در آستین است.

واقعیت زندگی روزمره نشان میدهد که پاکسازی درهمه سلولها وارگانهای کشور یك ضرورت حیاتی است. محمدی گیلانی، حاکم شرع تهران. درمصاحبه با روزنامه اطلاعات، این واقعیت‌را، بعداز بیان مفاسد یك روحانی کارگزار شاه مخلوع چنین اعلام می‌کند،

«کسی که اینجور به روحانیت لطمه میزند، واقعانقش از بین بردن فرهنگ اسلامی روحانی را دارد. به این افراد نباید اجازه فعالیت داد، ولی متاسفانه دراین خصوص، هنوز آنطور که باید وشاید عمل نشده است. امیدواریم‌که دادگاه انقلابی به‌این مسائل‌عمل کند. گویا حجت‌الاسلام احمد خمینی درضمن مصاحبه‌شان گفته بودند که تصفیه روحانیت‌هم واجب است وباید انجام شود و امیدواریم که امام‌هم با توجه‌خاصی، این مساله‌را فرمان‌بدهد وبتوانیم این پاکسازی‌را بکنیم.»

ما، براساس سیاست اصولی و انقلابی خود، خواستار **اقدام انقلابی** برای پاکسازی ارگانهای کشور ازعوامل امپریالیسم و رژیم گذشته هستیم. به‌نظرما یك پاکسازی انقلابی باید حاوی مشخصات زیرین باشد،

۱ـ دولت باید بی‌درنگ اسامی ماموران وکارگزاران ساواك را که در اختیار دارد، اعلام کند. آنگاه مراجع قانونی باید به اتهام این افراد رسیدگی کنند و هرکس را فراخور خدمتش به‌رژیم شاه مخلوع مجازات کنند.

۲ـ دولت باید وابستگان وسرسپردگان‌به رژیم سابق‌را از تمام دستگاه دولتی، بویژه ارتش وشهربانی‌وژاندارمری، تصفیه کند و کسانی را که در نگاهداری رژیم سابق فعال بوده‌اند وافرادی راکه در غارت اموال عمومی شرکت داشته‌اند، محاکمه ومجازات کند.

۳ـ یاران انقلاب، صرفنظر از عقاید سیاسی وایدئولوژی آنها باید از اتهام وافترا و تصفیه مصون نگهداشته شوند و بابرقراری یك فضای دمکراتیك وخالی از انحصارگرائی، برای‌نوسازی کشور به‌خدمت گرفته شوند.

به نظر ما اجرای چنین‌پاکسازی، که هدف آن تصفیه دشمن و تقویت دوست است، تنها از شورای منتخب کارگران، کارمندان و... ساخته است.

انجام چنین پاکسازی، دشمن را در یکی از نیرومندترین سنگرهای خود سرکوب و مواضع انقلاب را تقویت می‌کند.

آیا راست است:

● که آقای‌رئیس‌آموزش وپرورش ناحیه۱۳ تهران روزسوم مهر، درجلسه خصوصی، دریکی ازمدارس این ناحیه علناً اظهارداشته‌که اولین ومهمترین ضابطه برای تعیین‌مدیر مدرسه دخترانه چادری بودن است!

● که همین شخص، معلمهای زن‌را تشویق به ترك خدمت‌کرده وگفته‌است‌که بهترین‌کار برای زن اینست‌که در خانه، زیرسایه شوهر زندگی‌کند!

● که معلمان چند پیشه، که قراربود درسطح استان مازندران بعنوان نیروی ضربتی در روستاها استخدام شوند، پس از ۴۵ روزکارآموزی، اکنون بلاتکلیف هستند! و اداره آموزش و پرورش از استخدام معلمان چندپیشه، تا دستور ثانوی، سرباز زده‌است!

● که اداره آموزش و پرورش ناحیه۱۳ تهران. همچنان مانندگذشته، خود رؤسای مدارس‌را انتخاب میکند و درجواب اعتراض معلمان‌که معتقدند شورای معلمان باید مدیرمدرسه را انتخاب کند، میگوید شورا تنها میتواند پیشنهادکند و تصمیم‌گیری بعهده‌اداره‌آموزش وپرورش است!

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

بمناسبت سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران، حزب طبقه کارگرایران، ورفع محدودیت ازفعالیت حزب، بهترین تبریکات و درودهای برادرانه ما را بپذیرید.

زنده باد انقلاب ما!

زنده باد حزب تودهٔ ایران!

سازمان حزب تودهٔ ایران در انگلستان ـ سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران درانگلستان

تبریك حزب کمونیست بریتانیای کبیر

کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

رفقای عزیز! بمناسبت سی‌وهشتمین سالگرد تأسیس حزب قهرمان توده ایران، پیشاهنگ‌مبارزه مردم‌ایران‌بخاطر استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم، تبریکات و درودهای برادرانه ما را بپذیرید. رفع‌توقیف از روزنامه «مردم» و رفع محدودیت از فعالیت حزب شما موید پشتیبانی توده‌های مردم از حزب توده ایران است.

جك‌ودیس ـ رئیس شعبه بین‌المللی‌حزب‌کمونیست بریتانیای‌کبیر

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

سی‌وهشتمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران را در شرایط نوین به همه اعضاء حزب تبریك میگوئیم ونهایت شادمانی خودمان را از انتشار مجدد «مردم» اعلام میداریم.

واحد حزب تودهٔ ایران در برانشوایك(آلمان فدرال)

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

رفقای عزیز! سی‌وهشتمین سالگرد تأسیس‌حزب توده ایران را بشما تبریك میگوئیم. با احساس‌همبستگی عمیق، از انتشار مجدد «مردم» خوشحالیم. ما بهمه اعضاء حزب تودهٔ ایران درود میفرستیم و موفقیت شما را در مبارزه بخاطر پیشبرد انقلاب اسلامی ایران آرزومندیم.

اتحادیه دانشجویان‌مارکسیست (اسپارتاکوس) بخش برانشوایك (آلمان فدرال)

ازکمکهای مالی دوستان سپاسگزاریم

س.ا.	۱۲۰۰۰۰ ریال
سنما	۱۰۰۰ ریال
خانواده انصاری	۱۵۵۰۰ ریال

در مطبوعات کشور

حل مساله خلقهای ایران وخودمختاری

در میان دهها و صدها لقب، همه ازنوع شیطانی، که میتوان به شامداد، یك‌لقب نیز باید گنجانده شود، شاه هویت فروش بود. هویت کلیه خلقهای ساکن درایران‌را، که قرنها بصورت یك ترکیب کامل درکنار هم زندگی کرده بودند، برای بوجود آوردن حکومتی متمرکز، که‌سراپا در اختیار امپریالیسم قرار بگیرد، به امپریالیستها فروخت. شاه‌سابق وپدرش خیانتی به‌خلقهای‌مختلف ایران‌کردندکه باید تا تاریخ تاریخ است‌ازآن یادکرد، تامبادا ماکه دراینجا قانون اساسی‌کشور را می‌نویسیم، مرتکب اشتباهی بشویم‌که ازنوع آن خیانت شاه بشمار آید ومارا در برابرتوده‌های زحمتکش، رنجدیده ایران برای همیشه روسیاه‌کند.

ایران‌کشوری است که‌در‌آن مردمان مختلف زندگی میکنند. برخی از این مردمان راخلقهای ایران مینامند، برخی‌دیگراقوام وبرخی دیگرملیت‌ها. شخصاً کلمه خلقها را مناسب‌تر میدانم.

سیستم شورائی که مرحوم آیت‌الله‌طالقانی موکداً آن را گوشزد میکرد، میتواند بخشی ازمسائل‌خلقهارا حل‌وفصل‌کند. این در صورتی است که از ذیل تا صدرکلیهٔ اموکشور بصورت شورائی اداره‌شود. شورامیتوانددر ترکیب‌دادن خلقها به یکدیگر بسیار مفید واقع شود. منظور از این ترکیب استحاله ملی نیست. سنی بلوچ لازم نیست شیعه فارس زبان بشود.

چنین امری فاشیستی‌خواهد بود، مثل دوران آریامهرخواهد بود، دورانی‌که در‌آن قرار بود خلق‌های مختلف ایران از نژاد آریائی بوده باشند، واگرنبودند باید بزورمیشدند. نه دین، نه مذهب، نه زبان، نه فرهنگ و نه شعائرقومی وفرهنگی یك خلق‌را نباید‌برخلق دیگر تحمیل‌کرد. برای یك خلق استاندار از یك خلق دیگر و یا بوسیله حکومت مرکزی نمیتوان تعیین‌کرد، چرا که بدین‌صورت حکومت مرکزی کلیه تمایلات متمرکزشدن را در خود احیاء خواهدکرد و دوباره در آینده بوسیله‌ای در دست دیکتاتوری‌های جور واجور و قدرت‌های جهانی خواهد بود. سیستم‌شورائی باید سیستم‌انتخابی باشد، ازپائین ببالا. و باید بر کلیه ساختها و بافتهای مربوط به انتصاب ازبالاخط بطلان‌بکشد. آقای وزیر کشور هنگام صحبت از سیستم شورائی از شوراهای مختلف درکشور بعنوان «جمهوری های‌کوچك» یادکرده است. این گفته درست است، ولی چیزهائی کم دارد، و آن در نظر گرفتن مسئله خلقهای ایران است. شما میتوانید یك‌سیستم‌فوق‌العاده آزاد، باز وراحت وبدون تردید دموکراتیك در قالب جمهوری اسلامی داشته باشید، واین‌موقعی عملی میتواند باشد که سیستم شورائی‌را باسیستم‌خودمختاری‌ها درهم بیآمیزید، ودرمرکز، یعنی درتهران هم نامه تضمین‌های لازم را ایجادکنید تا کلیه تمایلات مربوط به تمرکز و انحصارطلبی وسیستم قدرت مرکزی از میان برود.

(بخشی ازسخنان مرادزهی، نماینده سیستان و بلوچستان در مجلس‌خبرگان_ انقلاب اسلامی- ۱۲ مهر)

رفقای عزیزکمیته مرکزی حزب توده ایران

سی‌وهشتمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران، حزب طبقه‌کارگر ایران، وانتشارمجدد «مردم» ارگان مرکزی حزب را به شما رفقای عزیز واعضاء وهواداران ودوستان حزب تبریك میگوئیم وآماده‌ایم در جهت به ثمررساندن‌آرمانهای مردمی حزب تا آخرین حد توانائی بکوشیم.

موفقیت وپیروزی شما آرزوی قلبی ماست.

هواداران حزب توده ایران ـ بوکان

مَردُم و مردم

● م.ا. طی نامه‌ای که برای ما فرستاده، ضمن مقایسه‌ای میان شیوه برخورد برخی نیروهای انقلابی نسبت به حزب تودهٔ ایران و نیزشیوه برخورد حزب تودهٔ ایران به این‌نیروها، شگفتی خود را ابراز داشته است. دوست ما همچنین ازکم‌آگاهی شگرف اینان از تاریخ حزب تودهٔ ایران یادکرده وتوصیه نموده است که در مورد تاریخ حزب، در صفحات «مردم» یا از طریق نشریات و جزوات جداگانه، روشنگری‌بیشتری بعمل آید.

لازم به یادآوری است‌که در زمینه یادشده، از جانب حزب ما رسالات، کتب ومقالات بسیاری انتشار یافته است‌که خود برای یك‌خواننده منصف وبیطرف میتواند مبنای‌مطمئن داوری وقضاوت قرار گیرد. ونیز دراین زمینه بمناسبتهای گوناگون تحقیقات مفصلی‌ازجانب حزب ما بعمل‌آمده وعرضه شده‌است، که درآینده نیز با توجه به امکانات ادامه خواهد یافت. اما درمورد شیوه نادرست برخورد مبارزان جوانی که دوست ما ازآنها یادکرده، بایدگفت‌که، این‌دوستان داوری و قضاوت خود را بطورعمده از منابعی اخذ میکنند که بشدت تحریف شده ومغرضانه‌اند. حزب توده ایران در تمام طول تاریخ خود همواره‌کوشیده‌است‌که مبارزان جوانی راکه با انگیزه‌های انساندوستانه و با اهداف مترقی به عرصهٔ مبارزه گام می‌نهند، درنهایت متانت وبردباری از دامهائی که دشمن و طبقات حاکم برسر راه آنان میگسترانند، برحذر دارد و بویژه درزمینه تاریخ جنبش کارگری، تمیزآنچه راکه دشمن تبلیغ میکند ازآنچه واقعی است، بدانان بیاموزد. متأسفانه ۲۵سال خفقان وگذشت بیش ازدو نسل ازمبارزات پرافتخاری که طبقه‌کارگر ایران برهبری حزب تودهٔ ایران انجام داده است، تحریفات وتبلیغات دروغین وسراپا خصمانه رژیم‌پهلوی ونیز احزاب وگروههائی‌که براساس منافع طبقاتی‌خود، دشمن طبقه‌کارگر وحزب آن هستند، پیوند مبارزان جوان پیرو راه طبقه کارگر را باگذشته سست‌کرده است. بطوریکه اغلب اوقات اینان، علیرغم تمایل‌خویش، تاریخ مبارزات طبقه‌کارگر وجنبش‌کارگری‌کشورما را از دشمنان طبقه‌کارگر آموخته‌اند. به عنوان مثال‌آنچه در غالب موارد از زبان این مبارزان در مورد وقایع ۲۸مرداد بگوش‌میرسد، چیزی جز برائت‌مقصرین اصلی بروزاین فاجعه، یعنی‌کسانیکه تمام مقامات واهرمهای قدرت حکومتی‌را دراختیار داشته‌اند، ولی‌بجای مبارزه با امپریالیسم ودربار، درفکر سرکوب و هجوم به حزب تودهٔ ایران بوده‌اند، نیست. بهرحال‌آغوش همکاری و دوستی حزب ما همچون‌گذشته بجانب این‌دوستان‌گشوده‌است و ما از هیچ کوششی برای دستیابی به زبان مشترك مابین‌خود و آنان فروگذار نمیکنیم.

●ـ دوستی درنامه‌اش تحت‌عنوان «دزدبگیران تازه» واقعه‌ای را بازگوکرده، که هرچند تاریخ وقوع آن‌به دوماه پیش باز میگردد، ولی از آنجا که حادثه نمونه‌واری است‌واکنون نیزمیتواند هرلحظه ودرهرگوشه کشورمارخ‌دهد، آن‌رانقل میکنیم:

«حدود ساعت۴ بامداد روز چهارشنبه ۵۸/۵/۳۱، ناگهان سروصدای عجیبی‌توی یکی ازخیابانهای‌غرب تهران پیچید، «دزدرابگیرید... بگیریدیدزدرا...» گروهی، که عده‌ای ازآنها پاسدارکمیته‌محل‌بودند، توی‌خیابان میدویدند، چیزی نگذشت که‌چندنفر دست‌جوانی راگرفتند ودرحالیکه او را کتك‌میزدند، وی‌را به‌داخل‌مسجد (کمیته‌محل) بردند. «دزد» راگرفته بودند. جوانك‌پشت‌سرهم فریاد میکشید، «بخدا من مثل شما هستم، بخدا سوگند، من مسلمانم... مسلمانم... والله مسلمانم.»

دونفری‌که «دزد» راگرفته بودند، سعی‌میکردند جلو فریاد «دزد» رابگیرند وباشتاب اورابطرف مسجدبردند. از میان‌جمعیت کمی که‌درحوالی مسجدجمع شده‌بودند (همانهاکه دنبال‌«دزد» میدویدند) این‌جملات بگوش‌میرسید:

ـ جزء مجاهدین خلق‌است!

ـ پدرسوخته اعلامیه‌توخونه مردم‌میندازه.

ـ به‌حضرت عباس هم‌قسم میخوره، آخه کمونیست که حضرت عباس نمیشناسه.

صبح‌هرقدر ازمردم‌محل پرس‌وجو کردم، چیزی از عاقبت‌قضیه روشن‌نشد.»

●ـ دوست عزیز **رحمان‌کردی** نامه شما مورخ ۵/۱۹، با تمبر ۵ریالی که همراه‌آن فرستاده بودید، رسید. میتوانید به‌همین طریق نامه‌های خود را بفرستید.

●ـ «به‌حزب‌توده‌ایران» نام‌شعری‌است‌که **ح‌ـ ریحان** برای «مردم» فرستاده است. قطعه‌ای از این شعر چنین است، شکوه‌زارآدمی /کوهواری، عظیم/ دریائی‌ودریادلانی به‌وسعت عشق/ سبزنای حقیقت وانسان/ آری/ چنین که توهستی!

آموزش سیاسی آری، تبلیغ‌سیاسی نه!!

بقیه ازصفحه ۱

تنك ومحدود آموزش سیاسی فراتر نگذاشته ومتهم به‌تبلیغ سیاسی، خواهد شد!

اینها پرسشهائی است‌که این‌مقام مسئول وزارت آموزش‌وپرورش بایدبرای‌آن‌پاسخ‌روشن ومقنع‌داشته باشد.

دانش‌آموزان حق دارند که میگویند، ما بآنحدچه ازبلوغ سیاسی رسیده‌ایم‌که بتوانیم حین آموختن، درباره مسائل مطروحه درکشورمان‌اظهارنظرکنیم. اینها فرزندان انقلابند، اینها درکوره انقلاب آبدیده شده‌اند، اینها از انقلاب آموخته‌اند، باید این بلوغ سیاسی‌را، که دشواربدست آمده، ارج نهاد وآنرا تائیدکرد.

اینکه‌کسانی درمدارس به‌تفتیش عقایددانش‌آموزان و معلمان مشغولند وکفیل وزارت آموزش و پرورش هم‌از آن‌بی‌اطلاع نیست، جریانی است‌که‌شدیداً تاسف برمیانگیزد وخطرناك است. درعصر انقلاب، درعصررهائی ازبنداستبداد، ببهای هزاران‌شهید، باور کردنی است‌که درمدارس دیوارها موش داشته باشندوموشها‌گوش!! باید به‌این تباهی‌پایان‌داد.

وزارت کشاورزی درباره شرکتهای سهامی زراعی وسرنوشت آنها چه برنامه‌ای دارد؟

درقانون تشکیل «شرکتهای سهامی زراعی»، که در زمان رژیم گذشته‌تصویب شده‌بود، هدف ازتشکیل این‌شرکتها‌فراهم‌نمودن‌موجبات افزایش درآمدسرانه‌کشاورزی، آشنا ساختن زارعان بااصول وشیوه‌های پیشرفته‌کشاورزی ودامداری، جلوگیری از خرد شدن و تقسیم اراضی مزروعی، افزایش میزان سطح زیرکشت، ترویج و توسعهٔ فعالیتهای غیر کشاورزی وبخصوص صنایع دستی‌روستائی...» وعبارات فریبنده‌ای‌ازاین دست ردیف شده است. ولی حقیقت این است‌که طی سالهایی‌که این قبیل شرکتها فعالیت‌کردند، دهقانان عضو این واحدهای «کشاورزی و دامداری»، چنان به‌زنجیر استثمار بیرحمانه سرمایه‌داری ودرقید اسارت ماموران دولت ودر راس آنها «ساواك» گرفتار شدندکه بسیاری از آنان ازخیر «عضویت» درشرکت‌گذشتند وبرای‌پیداکردن‌کار ونان‌آواره‌شهرها شدند وگروهی ازآنان نیز روی همان زمینهای شرکت، که‌روزی‌متعلق به‌خودشان بود، ازناچاری به‌کارمزدوری پرداختند.

مسئله‌ازاین‌قرار است‌که چندسال‌پس‌از اجرای «اصلاحات‌ارضی»محمدرضا شاهی، وبمنظور تحکیم هرچه‌بیشتر سلطه سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم، در نواحی روستائی ایران، زمینها ومنابع تولیدکشاورزی و دامداری خرده‌مالکان و دهقانان «صاحب‌نسق» راکه دارای قطعه‌زمینی شده بودند، دربسیاری از بخشهای کشاورزی ودامداری‌ازاختیارصاحبانشان خارج‌کردند واین قطعات را بصورت یکپارچه‌درآوردند و برای‌ایجادموسسات بزرگ‌سرمایه‌داری و تاسیس پایگاههای نفوذ انحصارهای خارجی‌مورداستفاده‌قراردادندوواحدهای بزرگی بنام «شرکتهای سهامی‌زراعی» تاسیس‌کردند.

ازسال ۱۳۴۷، که به‌تاسیس آنها اقدام شد، تاسال ۱۳۵۶، جمعاً ۸۹ شرکت تشکیل شد، که ۸۱۳ پارچه‌ده ومزرعه را، بطور عمده درمناطق روستائی غرب، شمال غربی، خوزستان، فارس‌وبرخی‌ازنواحی مرکزی‌ایران دربرمیگرفت.

مساحت اراضی محدوده این شرکتها بحدود ۴۰۰/۰۰۰ هکتاروزمینهای متعلق به‌شرکتها به‌حدود ۳۲۰/۰۰۰هکتار میرسید، که درسال زراعی۱۳۵۵-۵۶ حدود ۱۳۰/۰۰۰ هکتار ازاین زمینها زیرکشت بود.

جمعیت محدوده این شرکتها بحدود ۳۰۰/۰۰۰ نفرمیرسید، که اندکی بیش‌از ۱۸۵/۰۰۰نفراز آنان اعضای خانواده‌های «سهامداران» بودندودیگران بدون «نسق» ودرحقیقت بدون زمین بودند، که‌طبعاً‌سهمی ازاین شرکتها نداشتند. تعداد‌سهامداران ۳۳/۶۶۳ نفربود، که‌بااحتساب سهام‌خرده‌مالکان ودهقانان‌مرفه، تعداد سهام‌جمعاً بحدود ۱/۴۲۰/۰۰۰ سهم‌یکهزار ریالی‌بالغ‌میشد. جمع‌سرمایه اولیه این شرکتها یك‌میلیارد وچهارصدوبیست میلیون ریال‌بود.

علاوه‌براین شالوده‌ضددهقانی، توجه به‌چگونگی تشکیل واداره‌این‌شرکتها نیز نشان میدهدکه چرا دهقانان عضو این واحدهای به‌اصطلاح کشاورزی و دامداری، درگرماگرم مبارزات انقلابی خود وپس‌از پیروزی انقلاب، انحلال‌این شرکتها ورسیدگی به‌حساب دزدیها وغارتگریهای مدیران و دست‌اندرکاران آنها را خواستار شدند. برای روشن شدن موضوع به‌بررسی وضع دو شرکت، بعنوان نمونه، میپردازیم.

دوشرکت نمونه «سهامی زراعی»: «گرمسار» و«مشکین‌فام»

«گرمسار» در ۱۲۰ کیلومتری‌شرق‌تهران‌و«مشکین‌فام» (فرح‌سابق) در۶۰ کیلومتری شرق سنندج واقع است.

شرکت سهامی زراعی‌گرمسار، ۱۲ده ومزرعه رابا ۵۰۰۰ هکتار زمین، که حدود ۳۲۰۰ هکتارآن‌زیرکشت‌بود، دربرمیگرفت. از۷۵۳۰ نفرجمعیت‌محدوده روستاها ومزارع این‌شرکت، ۳۸۱۷ نفراعضای خانواده‌های «سهامداران» بودند. تعداد سهامداران ۷۰۳ نفربود، که جمعاً ۱۹۶۱۲ سهم یکهزار ریالی‌داشتند. بیشترین سهام ـ ۸۰۰ سهم ـ از آن دولت بود. شرکت در تیرماه ۱۳۴۷ تاسیس شد.

شرکت سهامی‌زراعی مشکین‌فام، ۱۰ده‌ومزرعه‌را با ۱۱۰۰۰ هکتارزمین، که حدود ۳۱۰۰ هکتارآن زیرکشت بود، دربرمیگرفت. از تعداد ۴۷۶۶ نفر جمعیت‌محدوده اراضی‌شرکت، حدود ۳۰۰۰نفر آن‌اعضای خانواده‌های‌سهامداران بودند. سهامداران۵۶۳ نفربودند، که جمعاً ۲۰۱۴۱ سهم یکهزار ریالی داشتند. بزرگترین سهامدار ۱۴۰ سهم‌داشت. شرکت درسال ۱۳۴۸ تاسیس‌شد.

آنچه درباره این دوشرکت مینویسیم، واقعیتهائی است که کم‌وبیش درهمه ۸۷ شرکت دیگر ازاین قبیل باآن برخورد میکنیم. قبل‌از هرچیز به‌چگونگی تشکیل این شرکتها میپردازیم،

شرکتها چگونه تشکیل شدند؟

از آنجائی‌که هدف اصلی ازتشکیل این‌شرکتها بهیچوجه رشدسالم‌اقتصاد کشاورزی وبهبود زندگی روستائیان نبود و تقویت وگسترش مبانی سرمایه‌داری وابسته به‌انحصارهای‌خارجی ودرباریان درمدنظر قرار داشت، بنابراین، ازهمان نخستین روز تاسیس این‌شرکتها، اصل داوطلبی وتامین رضایت وجلب رغبت دهقانان ومداخلهٔ‌آنان‌درتاسیس واداره شرکت‌مطرح نبود. ماموران دولتی‌زمینها وتاسیسات‌کشاورزی ودامداری دهقانان ودامداران را، باتکیه برسرنیزه ژاندارم وشلاق ساواك، ازآنها بزورگرفتند و «عضویت» در این شرکتها را به‌آنان تحمیل کردند.

بدینسان مثلادرگرمسار قطعه‌زمینهائی که ازاملاك قبلی یا ازخالصه و موقوفه به‌ملکیت دهقانان درآمده‌بود، یا درمشکین‌فام زمینهائی که براثراجرای «اصلاحات‌ارضی» بدهقانان «صاحب‌نسق» انتقال یافته‌بود، بخودی خوددرمحدوده املاك شرکت قرارگرفت.

هرچنددر ماده ۳۲ «اساسنامه شرکتهای سهامی زراعی» از ارگانهای شرکتـ مجمع‌عمومی صاحبان‌سهام، هیئت‌مدیره وبازرسانـ یادشده‌وحدودووظایف واختیارات هریك‌با عباراتی «محکمه‌پسند» ذکرشده‌است، بااین همه، ماموران عالیرتبه‌وزارت «تعاون‌و اموروروستاها» ودرحقیقت عوامل مستقیم و غیرمستقیم ساواك‌بودند که «مدیرعامل» و «اعضای‌هیئت مدیره» را تعیین میکردند. وطبعاً ازتهیه‌وتنظیم سندوصورتجلس مربوط به‌«انتخابات» هم‌بهیچوجه کوتاهی نمیشد. تازه‌همین اعضای انتصابی‌هم ازخودکوچکترین اختیاری‌نداشتند.

درتعیین اعضای هیئت‌مدیره، شرط‌اصلی موافقت «ساواك» بودواحیاناًقبول همکاری اعضاء هیئت بااین‌دستگاه جهنمی. درچنین شرایطی، ازدخالت دهقانان‌و مشارکت آنها درمدیریت‌وبرنامه‌ریزی، وحتی برخورداری ازحقوق و اختیارات یك‌عضو ساده‌شرکت، نمیتوانست سخنی‌درمیان باشد.

عدم مشارکت دهقانان درکاربرنامه‌ریزی کشت‌ودامداری‌و اداره شرکت‌از یکطرف زمینه‌اساسی توسعه‌سرمایه‌داری وابسته را استحکام بخشید و ازطرف‌دیگر موجبات‌اصلی خانه‌خرابی دهقانان ولاجرم مهاجرت دسته‌جمعی وآوارگی‌آنها را درشهرها وجاده‌ها فراهم ساخت. بیشتر توضیح میدهیم،

برنامه‌ریزی درکشت‌وبهره‌برداری

کاربرنامه‌ریزی وبهره‌برداری اززمین ومنابع‌تولید کشاورزی ودامداری را«کاغذبازی» و «اداره‌مآبی» وهوی وهوس ماموران از یکطرف، و سودجوئی سرمایه‌داران محلی‌وغیرمحلی‌وهدفهائی‌که انحصارات امپریالیستی‌تعقیب‌میکردند، ازطرف دیگر، تحت‌تأثیر قرارداده بود. نظری به‌برنامه کشت وتغییرکمی‌وکیفی فرآورده‌ها، این‌حقیقت را بثبوت میرساند.

طی مدت‌فعالیت این‌شرکتها، رشدناهماهنگ سطح‌کشت ومقدار فرآورده‌ها درمورد محصولات مختلف متفاوت است مثلا محصول‌آفتابگردان وپنبه، که مواد اولیه‌مورد نیازصاحبان کارخانه‌های روغن‌کشی وریسندگی و بافندگی‌بود، بترتیب ۳و۴ برابرافزایش یافت. درحالی‌که محصول گندمـ آبی‌ودیمـ با همه امکانات وسیع‌ووسایل مدرن کشت‌وبرداشت وزمینهای حاصلخیز وبذر مرغوب وباوجود کارشناسانی که‌دراختیار داشتند، فقط به۱/۹ برابررسید. درهمین مدت محصول جوفقط به۱/۴ وشلتوك‌به ۱/۳ برابر افزایش یافت.

جالب‌توجه‌تر ازهمه، کشت‌خشخاش است برای‌بدست آوردن تریاك! قبل ازسال۱۳۴۷ ودرزمانی که‌هنوز «شرکتهای سهامی زراعی» تاسیس نشده بود، در مجموع‌محدوده زمینهای‌کشاورزی این۸۹ شرکت، فقط۴۳ کیلوگرم‌شیره‌خشخاش از۱/۵ هکتارسطح‌کشت بدست‌آمد. این رقم، درهمین محدوده، درسال زراعی ۵۳ـ۱۳۵۲ بترتیب به۶۶۲۹۰ کیلوگرم از۳۷۹۰ هکتارسطح زیرکشت جهش کرد! وتازه این‌رقمی‌است که‌درآمارهای رسمی‌ثبت شده‌است. رقم واقعی بمراتب بیشتراست، زیرامدیران‌فاسداین‌شرکتها، که‌باداروسته قاچاقچیان درباری‌وازآن طریق‌با کانگسترهای امپریالیسم رابطه‌داشتند، واحدهای تولیدی‌زیرتصدی خود رابه‌منبع درآمد سرشار برای‌خودواربابانشان مبدل کردند. دهقانان گرمسار حکایت میکنندکه «ولیان»، وزیرتعاون و امور روستاها، خود شخصاً در کار جمع‌آوری تریاك آن‌ناحیه نظارت‌میکرد!

درمدت فعالیت این‌شرکتها، تولیدآن محصولات‌کشاورزی، که برای سرمایه‌داری وابسته جاذبه‌ای نداشت، کمتر شد، چنانکه محصولاتی مانند پیاز سیب‌زمینی وحبوب(بنشن) درسال زراعی ۵۳ـ۵۲، نسبت بسال قبل ازتاسیس شرکت، به‌ترتیب‌به۳۲٪ ، ۷۲٪ ، ۷۸٪ کاهش‌یافت.

درکارکشت و برداشت فرآورده‌ها، ازتجارب دهقانانی‌که طی‌نسلهاروی‌همان زمینهاکارکرده، تجربه‌اندوخته واستخوان پوسانده‌اند، استفاده‌نمیشد واین خود بزرگترین انگیزه سرخوردگی، نارضائی ونومیدی دهقانان‌است. دهقانان‌درهمان سالهای نخستین فعالیت این‌شرکتها به‌این نتیجه رسیدند که مسئولان شرکت، کارهای نمایشی رابه‌بهره‌برداری صحیح ازآب وزمین ترجیح‌میدهند، چنانکه در گرمسار، درجائی‌که هرقطره آب‌نعمتی‌است، مسئولان آبها را بهدر میدادند و برای کارهای نمایشی بی‌بهره به‌مصرف میرساندند. دهقانان گرمسار در نامه‌های خودمینوشتند که «کارشناسان» شرکت۲۰ هکتارزمین رابه‌کشت باغ نوعی گوجه به‌نام «قطرطلا» اختصاص‌دادند، فقط‌برای آن‌که «مهمانان» ازآن بازدیدکنند و میوه‌های آنرابعنوان هدیه‌برای درباریان ودولتمردان «عالیمقام» بفرستند. وحال آنکه بامقدارآبی که‌بمصرف نگاهداری این‌باغ میرسید، ممکن‌بود صد هکتار کشت‌پنبه یاگندم‌را آبیاری‌کرد. یامثلا، درناحیه کویری محدوده شرکت، ۱۰۰ هکتارزمین رابه‌باغ اناراختصاص میدادند. ولی‌باغ ازبی‌آبی خشك‌شد و صدها هزارتومان سرمایه‌شرکت به‌بادرفت. درحالیکه اگر بادهقانان‌مشورت میکردند، پی‌میبردند ومتوجه میشدند که‌برای آبیاری این قطعه زمین‌اصولا آبی وجود ندارد!

گذشته ازبرنامه‌ریزی درکشاورزی و دامداری ونتایج منفی آن، موقعیت خود دهقانان، حتی آنها که با داشتن زمین «عضو» شرکت محسوب میشوند، طاقت‌فرسا بود.

اختناق، سبب پیدایش، نتیجه و عواقب آن

بقیه از صفحه ۱

کشور و درنتیجه باعث نضج ورشدسریع تملق وچاپلوسی، رشوه‌خواری و ارتشاء وفساد است. از این لحاظ اختناق یك بیماری خوره‌وار اجتماعی‌است. اختناق «سنگ‌ها رامی‌بندد وسگ‌هارا میگشاید» با تمام عواقب وخیم آن، که مردم ستمدیده ما، طی بیش ازنیم‌قرن‌حکومت فاسد وسفاك وجنایتکارپهلوی شاهد ودر معرض‌آن بودند.

در شرایط مشخص کنونی‌کشور ما، گرایش بسوی اختناق سم مهلك است، زیرا **اولا** زمینه‌را برای‌نضج، تشکل و سرانجام هجوم ضدانقلاب فراهم میکند. وقتی نیروهای خلقی، نیروهای انقلابی از افشا توطئه‌ها منع شوند و یا جوی فراهم آیدکه بیان آزاد عقاید و افشا توطئه‌ها دشوارگردد، ضد انقلاب جان میگیرد، رفته رفته، با تشدید اختناق، زمینه حمله متقابل ضد انقلاب بوجود میآید وامکان ایراد ضربه از جانب ضد انقلاب، که واژگون شده ولی با تمام‌نیرو برای بازپس گرفتن «بهشت گمشده‌اش» در تلاش وتکاپو است، فراهم میآید. **ثانیا** در شرایط مشخص کنونی، که کوهی از مشکلات ـ ارثیه رژیم ضد خلقی وضد ملی‌واژگون‌شده ـ دربرابرماست وبرای هریك‌ازاین‌مشکلات، در تمام زمینه‌های زندگی‌اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، امنیتی‌وفرهنگی میبایستی راه‌حلی پیدا کرد. گرایش بسوی‌اختناق‌موجب‌فلج‌کار، باعث‌گمراهی، بجای راه‌یابی‌است. تنهادر شرایط‌وجودو‌تضمین‌آزادیهای‌دمکراتیك، آزادی‌اندیشه‌ها و بیان‌آنها، آزادی‌تبادل نظر و تقاطع‌نظرات، آزادی انتقادسازنده است‌که میتوان گره از مشکلات‌کشور و راه سازندگی‌کشور را بسود خلق هموار کرد.

وظیفه مبرم و بسیار ضروری که اکنون، هم در برابر نیروهای اجتماعی وهم‌در برابر مقامات حاکمه مسئول‌قرار دارد، تامین، تکامل و تضمین آزادیهای دمکراتیك است. نیرو های اجتماعی و احزاب وسازمانهای سیاسی وفادار به انقلاب بزرگ‌مردم‌ایران وتحکیم‌پیروزی آن، شخصیتهای ذینفوذ‌مذهبی‌وغیرمذهبی آزادیخواه ـ همه با هم بایدآزادیهای دمکراتیك را، که بعد از رهائی کشوراز یوغ‌سلطه امپریالیسم، بزرگترین‌دستاورد انقلاب است، حفظ کنند وآنرا، مصون‌از هرج ومرج و سوء استفاده ضد انقلاب، توسعه وتکامل‌بخشند. وظیفه‌مقامات‌مسئول نیز تضمین‌آزادیهای دمکراتیك است، نه فقط بر مبنای تحمل اندیشه های مختلف وانتقادات، بلکه برمبنای‌تدوین‌وتصویب قانون تضمین‌کننده‌آزادیهای دمکراتیك واجرای بی‌خدشه‌آن.

ازکمکهای مالی دوستان سپاسگزاریم

یك کتابفروش جوان بنام حسین.

ح	۵۰۰۰ ریال
م. مراد (از رشت)	۱۰۰ «
خانبابائی	۵۰۰ «
ر.ح شیخ نجفی	۶۰۰۰ «
خانم ن. م.	۱۰۰۰ «
د. الف. م	۱۰۰۰ «

ـ دوست عزیزآقای احمدی، شعرت رسید. بزودی چاپ خواهد.

ـ آقای علوی، توجه شما را به روزنامه‌تان میستائیم. از کمك شما متشکریم.

کارگران شرکت صنایع چوبی ایران خواستار تعیین فوری مدیر جدیداند

کارفرمای شرکت صنایع چوبی ایران، از آذر سال ۱۳۵۷، که مصادف با اوج مبارزات کارگری بود، اقدامات ضدکارگری خود را شدت بخشید، او یکبار از ایران فرارکرد، ولی‌پس‌از بازگشت، همواره درتلاش تعطیل‌کارخانه بوده است‌که بادرك وهوشیاری بموقع کارگران این توطئه عقیم مانده است.

کارگران پس‌از انقلاب‌دوبار اعضای شورای کارخانه را تعویض کرده‌اند. ازبدو شروع بکار شورای جدید، کارفرمابا اعمال نفوذ ودادن اطلاعات نادرست‌به وزارت صنایع ومعادن، ازآنان خواست تاحکم بازخرید عده‌ای از کارگران را صادرکند. کارفرما لیستی‌از کسانیکه در اینمدت باتوطئه‌های او مبارزه کرده بودند، تهیه کرد ودرصدد اخراج نمایندگان شورا وکارگران مبارز بود، که به علت آگاهی‌کارگران این نیت شوم ناکام ماند. کمیته مرکزی امام اخیراً نامه‌ای به‌وزارت صنایع ومعادن نوشته ودلایل‌کارفرما را برای اخراج‌کارگران، که نداشتن بازار فروش وغیره ذکر شده، ردکرده است.

با توجه به‌اعتراضات همه‌جانبه، وزارت صنایع و معادن ناگزیر درصدد تعیین مدیر جدیدی برای شرکت برآمده، اما کارفرما دراین راه مانع ایجاد میکند و در نتیجه فرستادن مدیر جدید عملا به‌تاخیر افتاده است. کارگران خواستار تعیین فوری مدیر جدید و جلوگیری از توطئه‌های کارفرما علیه کارگران هستند.

اخبار کارگری

متن اطلاعیه سندیکای مستقل کارگران بافنده سوزنی تهران

هیئت مدیره سندیکای بافنده‌سوزنی تهران وحومه، اطلاعیه‌ای خطاب به کارگران صنف انتشار داده، که‌نسخه‌ای ازآن برای انتشار در «مردم» برای ما فرستاده شده است. اینك متن اطلاعیه،

بدینوسیله سندیکای بافنده سوزنی «کشباف ـ جوراب باف ـ خیاط تریکو ـ جوراب و دیگر وابستگان صنف» به‌اطلاع کارگران صنف میرساندکه:

۱ـ طبق‌بخشنامه‌مورخه ۵۸/۶/۲۴ بشماره ۱۱۷۲۷ وزارت کار و امور اجتماعی ازاول‌فروردین ماه ۵۸حداقل حقوق‌کارگران‌روزانه ۵۶۷ ریال‌وماهانه ۱۷۰۱۰ ریال‌میباشد. کارفرمایان‌موظفند مابه‌التفاوت‌این حقوق‌را ازاول‌فروردین ۵۸ به‌کارگران خود به پردازند. طریقه افزایش حقوقها بشرح زیراست،

چنانچه‌کارگاهی دراسفند ماه ۵۷ پائین‌ترین حقوق کارگرش بطور مثال ۲۵۰ ریال در روزبوده‌است‌کارفرما باید مابه‌التفاوت این‌حقوق را تا ۵۶۷ ریال که ۳۱۷ ریال در روز میشود به کلیه کارگران خود تاکارگرانی که‌حقوق آنها روزانه ۲۵۰۰ ریال وماهیانه ۷۵۰۰۰ ریال میباشد ازاول فروردین به بعد بپردازد. وپائین ترین حقوقی که‌برای کارگران‌تازه‌وارد درنظرگرفته شده‌است. همان ۱۷۰۱۰ ریال میباشدوکارفرمایان نمیتوانندحقوقی کمتر ازاین به‌کارگران خود بپردازند. مطالب فوق شامل تمام کارگران‌اعم‌ازروزمزد، کارمزدومقاطعه‌ـ کار میگردد.

۲ـ حق‌اولاد برای هربچه ۱۷۰۱ ریال وبرای دوبچه ۳۴۰۲ ریال، حق مسکن ۱۵۰۰ ریال‌وحق خواربار‌برای متأهلین ۸۰۰ ریال و برای مجردین ۴۰۰ ریال درماه، وحقوق تعطیلات رسمی‌ـ جمعه‌هاـ سودویژه ومرخصی سالیانه از حقوق قانونی کارگران است وکارفرمایان مکلفند که طبق‌قانون آنهارا بپردازند.

۳ـ ۸ساعت کار حق قانونی کارگر است واگرکارفرمائی ازکارگر بخواهد بیش‌از ۸ساعت کارکند و کارگر توافق داشته باشد کارفرماموظف است که‌برای اضافه‌کاری ۳۵درصد نیز بپردازد. ولی بعلت اینکه درحال حاضر تعداد زیادی ازکارگران این صنف بیکارهستند ما از کارگران شاغل میخواهیم که بیش از ۸ ساعت کارانجام ندهند «ولی ۸ساعت‌خود را مرتب‌کارکنند»، تاتعدادی ازکارگران بیکار به‌سرکار برگردند.

به‌کرات‌دیده‌شده‌است‌که‌کارفرمایانی بخاطر سودبیشتر بابرقی‌کردن چرخهای خودوواگذارکردن دویاسه چرخ رابه‌یك کارگر، به‌بیکاری‌کارگران کمك‌می‌کنند. این زیان به‌دیگرکارگران وارد میسازد. اگرکارگری این‌کار را انجام میدهداز اودوستانه بخواهید که ازانجام این کار خودداری‌کند.

۴ـ هیچ‌کارفرمائی حق‌این‌راندارد که ازکارگر امضاء سفید یاچك و سفته سفید امضاء شده بگیرد واین از نظر قانون جرم محسوب میشود. شماکارگران عزیز ازدادن آن‌خودداری نمائید.

۵ـ سندیکا خانه شماست ازخانه‌خود دوری نکنید. درسندیکای خود عضوشوید تابا متحدشدن بتوانیم به‌مشکلات صنفی خود غلبه‌کنیم.

سندیکا هرشب بغیراز شبهای جمعه‌و شنبه ازساعت۶الی ۸ بعدازظهر بازاست وهرچهارشنبه ساعت ۶ بعدازظهر جلسه عمومی تشکیل میشود. درجلسات‌عمومی سندیکا شرکت نمائید.

هیئت مدیره سندیکای بافنده سوزنی تهران وحومه

اعتصاب رانندگان خط جویبار- قائم‌شهر

در تاریخ ۵۸/۸/۱ ، رانندگان مینی‌بوسهای خط قائمشهر ـ جویبار، بدلیل‌اسفالت نبودن‌جاده وکم‌بودن‌کرایه اعتصاب کردند. مینی‌بوسها حدود ۲۰ دستگاه هستند، که‌بعلت خاکی‌بودن‌جاده ودست‌اندازهای‌فراوان آن، عمرکوتاهی دارند ورانندگان مجبورند مرتباًمبالغ هنگفتی صرف تعمیر اتومبیل وخرید لوازم و قطعات یدکی، که بهای آنها روزبروز درحال افزایش است، بکنند. یکی‌دیگرازخواستهای رانندگان‌افزایش کرایه است، که درحال حاضر ۲۰ ریال است.

چون معلمهای قائمشهر برای‌رفت وآمد به‌جویبار ودهات‌اطراف آن‌مجبور به استفاده ازاین مینی‌بوسها هستند، رانندگان‌بااعتصاب‌خود، درروزاول‌مهر، خواسته‌اندکه حربه‌ای برای موفقیت‌خود ایجادکنند. معلمان‌هم‌علاقه‌ای‌جدی‌برای اسفالت جاده دارند وگذشته از ناراحتی های دست‌اندازها ودیررسیدن به‌محل‌کار، گردوخاك جاده‌مزاحمت‌جدی برای‌آنها هم ازنظر سلامتی جسم وهم‌ازنظرایمنی‌و احتمال تصادف ماشینها ایجاد میکند.

اعتصاب اخیر، رئیس آموزش و پرورش قائمشهر را وادارکردکه به‌محل ایستگاه‌جویبار درقائمشهر بیایدوبرای رانندگان سخنرانی کند. وی بالاخره بآنها قول داده است‌که اگر دو روز‌باو مهلت داده شود، کارها را روبراه خواهد کرد.

روستائیان‌که از نظرکمی بیشترین درصد را درمیان مسافران قائمشهر ـ جویبار و بالعکس دارا هستند، در محل ایستگاه‌سرگردان‌بودند. آنهاکه‌سالهاست برای اسفالت شدن این جاده روزشماری میکنند، بیش از همه از این وضع زیان میبینند، زیر آنها احتیاج دارندکه محصولات خود را در شهر بفروشند و مایحتاج خود را خریده بروستا ببرند

اعتصاب کارگران شرکت «پرسی‌گاز»

شرکت‌پرسی‌گاز، که‌یك‌شعبه‌مرکزی آن در فیشرآباد وشعبه دیگر آن در خیابان ۱۷ شهریور واقع است. حدود ۵۰۰ کارگر وکارمند دارد.

کارفرمای این شرکت پاداش شش ماهه اول سال ۵۸ را، که برابر با ۲ ماه حقوق هرکارگر است، نپرداخته او علت این‌کار را کسب اجازه از وزارت‌کارذکر میکند. در ضمن‌کارفرما اظهار داشته‌است که وزارت کار فقط با پرداخت یك ماه نیم حقوق بعنوان پاداش موافقت‌کرده است. بعد از مذاکراتی‌که میان‌کارفرماو نماینده‌کارگران انجام‌شد، کارفرما حاضر به پرداخت ۲ ماه حقوق بعنوان پاداش نشده. نماینده‌کارگران ناچارکارگران را بااعتصاب دعوت‌کردند. کارگران ازتاریخ ۵۸/۷/۷ تا تاریخ ۵۸/۷/۹ اعلام اعتصاب همگانی کردند و دست از کار کشیدند.

کارگران ساختمانی مهك دستمزد معوقه خود را میخواهند

ساعت ۱۰ تا ۱۱ صبح روز سه‌شنبه ۵۸/۷/۳ ، عده‌ای نزدیك به ۲۰۰ نفر ازکارگران شرکت ساختمانی مهك، در مقابل اداره مرکزی این شرکت، واقع درتخت جمشید، اجتماع‌کردندوخواستار دریافت حقوق ومزایای معوقه وبازگشت به‌کار بودند. در تماسی‌که با یکی از کارگران‌گرفته شد، وی‌گفت،

«حدود چهار ماه است‌که بیکاریم، همه‌آذربایجانی هستیم‌ودرآغاجاری برای این شرکت‌کار میکردیم. کارگران هریك بین ۸ تا ۱۵ هزار تومان ازاین‌شرکت طلبکارند. مهندس‌کشفی ومهندس‌قهرمانی و . . . فرار کرده‌اند. نمایندگانی را پیش وزارت‌مسکن‌وشهرسازی‌فرستاده‌ایم. تازه قرار شده است‌که تا یکشنبه آینده پول به حساب شرکت بریزند تا به ما پرداخت شود. الان‌یکهفته است‌که در تهران سرگردانیم وفکر میکردیم یکی دو روز بیشتر طول نمیکشد. حالا پولهایمان تمام شده است و جائی برای ماندن نداریم.»

شماره اول ۱۳۵۸
دنیا
نشریه سیاسی و تئوریك کمیتهٔ مرکزی حزب‌تودهٔ ایران
منتشر شد

درباره کارهای مجلس خبرگان(۸)

بررسی مواد قانون اساسی را ادامه میدهیم

مقایسه بین متن پیش نویس قانون اساسی، که در خرداد ماه بمردم ایران عرضه شد از یکسو، ومتنی که خبرگان درمجلس خودشان بتصویب میرسانند ازسوی دیگر، با درنظرگرفتن خواستهاومنویات مردم واهداف انقلاب وپیشنهادهائیکه برای نیل بدانها از جانب حزب ما ارائه شده، بخوبی جهت عمده‌کارهای این مجلس را نشان میدهد. از آنجا که تدوین قانون اساسی را یکی از مهمترین گامها ، دراین دوره‌گذار، برای شالوده ریزی نهادهای جمهوری اسلامی ایران وتثبیت دستاوردهای عظیم‌آن میدانیم واین مهمترین سند حقوقی را وسیله‌ای برای تجهیز همه مردم زحمتکش در راه دفاع از جمهوری خویش و نبرد علیه ضد انقلاب میشمریم، سلسله مقالاتی را ببررسی هر یك از اصول وموادآن اختصاص داده‌ایم. اینك بحث را دنبال میکنیم:

اصل ۶۴ (در پیش‌نویس ۵۸) مربوط است به بناها واموال دولتی ونفائس‌ملی . در پیش نویس‌گفته شده بود‌که، «بناهای دولتی واموالی‌که جنبه نفایس ملی دارند، قابل‌انتقال بغیر نیست». در متن مصوبه، تغییری حاصل شده و چنین‌گفته میشود، «بناها واموال دولتی‌که ازنفایس ملی باشد،قابل‌انتقال به غیر نیست». شاید بنظر این تغییر کوچك و سطحی بیاید، ولی در واقع مسئله بر سر اینست که‌آیا تنها اموال **دولتی** که جزو نفایس ملی باشد، شامل این قانون میشود، یا هر بنا و مالی، اعم از دولتی وغیر دولتی. بنظر ما حق آنست‌که در جمهوری اسلامی، یعنی نظامی‌که میخواهد با تمام‌آثار شیوۀ طاغوتی‌گذشته وداع‌کند واساس نو و ارزشهای تازه ایرا برای زندگی بریزد، کلیه اینگونه بناها و اموال، اعم از دولتی یا خصوصی، که جزء نفایس ملی باشد ، غیر قابل انتقال تشخیص داده شود وهمچون‌گنجینه ملی حفظ‌گردد.

همین اخیراً بود که بنیاد مستضعفین مقداری ازاموال مصادره شده از مفسدین فی‌الارض آنهم دست دوم‌هایشان رادر نمایشگاه بین‌المللی بمعرض حراج گذاشت ومعلوم شد چقدر ازآثار نفیس و عتیقه‌جات و اشیائی‌که جایش در موزه‌های متعلق بتمامی‌خلق است،در تصرف‌غاصبانه‌این زالوها بود.فرمول پیش‌نویس، بناهای‌دولتی‌واموالی‌را که جنبه نفایس ملی‌دارد، مشمول قرار میدهداین فرمول عام بود ومیتوانست‌کلیه اموال غیر دولتی را هم، که اشیاء نفیس وعتیقه‌جات وآثار هنری و فرهنگی بوده وحتماً متعلق‌بتمامی‌کشور است، دربرگیرد حتی اگر در تصرف یك شخص غاصب و ثروتمند باشد. اما فرمول مصوبه مجلس خبرگان تنها بناها واموال **دولتی** را شامل میشود وبنابراین ناقص و ناکافی است واز پیش نویس عقب‌تر است وتصحیح آن در جهت مترقی و در برگیرنده‌کلیه بناها و آثار واشیاء واموال جزو نفایس ملی ، اعم از دولتی و خصوصی، ضروری است. وظیفه قانون اساسی جمهوری‌اسلامی، دفاع از اینگونه «اموال خصوصی» نیست، درآوردن آنها از چنك غاصبان غارتگر است.

اصول ۵۸ تا۶۱، مربوط بطرزکار مجلس‌شورا و شبیه‌همان متنی است که درپیش‌نویس بود ودرآنها مسائل گرهی وعمده مربوط بحقوق‌مجلس ومردم، که‌مستقیماً مربوط به آزادیهای اجتماعی بشود، مطرح نیست این اصول بسرعت تصویب شد.

امابرسر اصولی‌که مسائل عمده وگرهی را درهمین زمینه وظایف مجلس شورا مطرح میکند، اخذ تصمیم، بعلت همان مقاصد ویژه وگروه نیرومندی‌که برای تغییرمتن و روح مواد قانون وجود دارد، ممکن نشد بترتیبی‌که در عصر روز پنجشنبه، ۵مهر ازهیچ اصل پیشنهادی، تنها یك‌اصل بتصویب رسید.

یکی از اصول مسکوت مانده درآنروز، اصل‌مربوط بمقاوله‌نامه‌ها وعهدنامه‌های بین‌المللی است‌که بایدبه‌تصویب مجلس شورا برسد. باحسرت ناظر بودیم‌که پیشنهاد مربوط به اینکه قید شود، «عهدنامه‌ها منافی استقلال و آزادی کشور نباشد»، بتصویب نرسید ودرمتنی‌که دوروزبعد تصویب گردید (اصل ۶۶)، این قید حذف شد واصل بهمان صورت قبلی تأئید گشت. باشگفتی دیدیم‌که درمجلس خبرگان، ماده‌مربوط بممنوعیت دادن امتیاز تشکیل شرکتها وموسسات در بخش عمومی وممنوعیت دادن انحصار دربخشهای مختلف اقتصاد، چنان مورد بحث قرار میگیرد، که بجای تصریح کاملا آشکارو قاطع این مسئله، کار بابهام میکشد واصل تصویب نشده باقی می‌ماند. وحتی درمتن پیشنهادی،عبارت«مگر درموردضرورت باتصویب مجلس شورای ملی» اضافه میشود،که درپیش نویس نبوده است. باکمال تعجب شاهدیم که‌اصل مربوط به استخدام کارشناسان‌خارجی، باتوجه‌به‌تجربۀ تلخی‌که ایران از بااصطلاح کارشناسان‌کشورهای‌امپریالیستی‌دارد، بجای‌آنکه بادقت‌وصراحت تعیین تکلیف‌کند، بعهده تعویق میافتد و نمی‌گذارند که بهترین فرمول، برای دفع این‌شر عظیم،که وجود و عمل کارشناسان‌خارجی‌عامل‌انحصارات‌وسیاست‌امپریالیستی‌بود پیدا شود.حتی‌کوشش‌شد‌که‌مسئله‌ممنوع‌بودن یامشروع بودن‌استخدام مستشار خارجی، ازمحدودۀ خاص خود،که همان استخدام کارشناسان دول امپریالیستی و انحصارات غارتگراست،بیرون آید و درعبارت مبهم ووسیع «استخدام هر خارجی» لوث و مستحیل گردد. خبرگان تازه هفته بعد توانستند برسرهمان متن تهیه شده درکمیسیون توافق‌کنند (اصل ۶۸).

همه میپرسندکه، آیا مجلس خبرگان لااقل آنقدردر خود نیرو خواهد یافت‌که دراینموارد ومسائل مشابه، بهترین عبارات راکه، حافظ منافع‌میهن‌ما، حافظ استقلال کشور و مدافع‌آزادیهای‌فردی واجتماعی باشد، پیداکند؟ آیا بالاخره متوجه خواهد شد که وظیفه اصلی آن بررسی مهمترین سند قانونی جمهوری اسلامی است، نه‌کوشش حداکثر برای بدل‌کردن پیش‌نویس بمتنی که تنها یك‌گروه نیرومند را ارضاءکند وتنها افراطیون خشك، که‌بااعمال‌فشارهای ویژه دست میزنند، باآن موافق باشند؟ آیادرك نمی‌کنند که‌کارشان دارد بدانجا می‌کشدکه هرچه آشکارتر، عده هرچه بیشتری ازمردم وزحمتکشان را،که اینهمه چشم امید به نظام جمهوری اسلامی دوخته‌اند وحاضرند باتمام قوا ازانقلاب و دستاوردهای خود دفاع‌کنند، از خود ونتایج کارهای خود مأیوس و بیگانه کنند؟

اصل ۶۶، اصل مهمی است که مربوط میشود به شرایط اعلام حکومت‌نظامی. درپیش‌نویس، برقراری حکومت نظامی ممنوع شده بود، مگر «هنگام جنك به‌حکم قانون». در متن‌مصوبه مجلس خبرگان، علاوه‌برجنك، عبارت «شرایط اضطراری نظیرآن»، نیز اضافه شده است. ولی در عین‌حال مدت زمان اعلام حکومت نظامی را محدود کرده و هربار تجدید آنرا منوط بموافقت‌مجلس نموده‌است. اگراین‌محدودیت زمانی، افزودن یك نکته مثبت بمتن پیش‌نویس است، اضافه کردن عبارت «شرایط اضطراری نظیر آن» یك نکته منفی است، زیراکه‌بهانه‌ای میشود دردست هرقدرت‌طلب وزورگوئی، که بمیل خود شرایط وحالاتی‌را درکشور، حالتی نظیر جنك اعلام کندوبگوید، «میهن درخطر است» و بدینسان حکومت نظامی اعلام نماید، آزادیهای فردی واجتماعی را محدود کند یا ازبین ببردواجرای قوانین‌را متوقف سازد.

مردم ایران ازحکومتهای نظامی خاطره بسیارشومی دارند، درهمین ربع‌قرن اخیر، ازحکومتهای نظامی ، که بلافاصله پس‌از کودتای ۲۸ مرداد اعلام گردید و آنهمه قانون‌شکنی وخونریزی‌که برای سرکوب توده‌ایها و مصدقیها وسایرمیهن‌دوستان وآزادیخواهان انجام شدگرفته تا حکومت نظامی زمان‌شریف امامی ودولت‌نظامی ازهاری، که درآنموقع شاه مخلوع آخرین و شدیدترین خونریزیهای وحشیانه خود را علیه مردم بپا خاسته ما انجام داد. لذا مردم ایران حق دارندکه به‌هرگونه بهانه ودستاویزی برای تجدید حکومت نظامی با دیده تردید بنگرندو باآن مخالفت کنند. جنك با دشمن خارجی مهاجم البته حالت ویژه‌ایست ولی هرگونه شرایط کشدار وقابل تفسیر وتعبیر دیگری‌که درقانون اساسی ذکر شود، دست هرقلدری را در پایمال کردن ثمرات انقلاب ماباز خواهد گذاشت وازآن، هم‌توده‌های انقلابی مردم وهم کسانیکه اکنون خودرا قدرتمند میبینند، ولی هنوز مزه‌عمل یك «افسر ریشو» را نچشیده‌اند، زیان خواهند دید. «افسر ریشو» عنوان واصطلاحیست که درخود مجلس خبرگان،توسط یکی ازنمایندگان مطرح شدوجادارد‌که نمایندگان مجلس، بجای کوشش درتغییر متن‌پیش‌نویس درجهت محدود کردن آزادیها وحقوق مردم، باین هشدار جدی نیز توجه‌کنند و معنای آنرا دریابند. پس‌از تصویب و انتشار این مطلب در جراید، نماینده‌ای گفت که، «جو جلسه مجلس خبرگان رد حکومت‌نظامی بوده است.» ولی تمام مسئله دراینجاست‌که، چگونه این «جو» درنوشتن متن منعکس میشود.

اصل مصوبه بعدی (۶۹) مربوط بحق نمایندگان مجلس شورایملی است در طرح سئوال از هروزیری وموظف بودن وزیر به‌حضور درمجلس وپاسخ بسئوال . این ماده در جهت مثبت، یعنی اضافه کردن قید حضور در مجلس برای پاسخگوئی واینکه موجه بودن عذر عدم حضور وزیر باید با تصویب خود مجلس شورا باشد، تصحیح وتکمیل‌شده است.

این بحث ادامه دارد.

شلاق

هیچ مشکلی را حل نمیکند

نقل از کیهان شماره۸مهرماه، «حجت‌الاسلام‌محمدتقی مالی **نماینده امام درهمدان**، حاکم‌شرع‌ورهبر مذهبی‌این شهر، دریك مصاحبه مطبوعاتی ورادیو تلویزیونی گفت،

«چند معمم ناآگاه، که اصولا صلاحیت اظهارعقیده درمورد موازین شرعی‌را ندارند، چندروزی است‌مرتبا دستور حدوشلاق وتعزیر میدهند، که‌سوابق‌ضدانقلابی بودن این‌گروه برهمگان روشن است... چندی قبل‌برای شخصی‌بنام‌حاج‌حسن بقال، بجرم احتکار روغن، دستورحدصادرشد، درحالیکه‌اوروغن مایع مارولا درخانه یامغازه‌اش نگهداری میکرد و اکنون از بیم شلاق متواری است.»

نماینده امام در ادامه سخنان خود گفت، «اسلام میگوید اگر دیدید‌کسی را متهم به‌زنا میکنند، نبایستی‌فوراً حدصادر کرد، بلکه ابتدا میتوان حدود تازیانه‌زدن به‌افرادرا به‌«شبهه» رفع‌کرد وازسوی دیگر برای‌اثبات جرمهائی‌ازقبیل زنا موضوع باید بدوشرط ثابت شود، یکی خود متهم اقرار به اینکارکند ودیگر اینکه چهارنفرصالح وعادل بگویندعین‌عمل منافی عفت را دیده‌ایم، مضافاً براینکه در صورتیکه یکی از شهود حرفهایش باسه‌نفر دیگر تفاوت داشته باشد و دروغ‌گفته باشد، خود وی باید ۸۰ ضربه‌شلاق بخورد... اگر حاکم‌شرع نیز بدون توجه به‌امور فوق حکم‌شلاق صادرکند، بایستی‌شلاق بخورد. ولی بطورکامل من عقیده دارم اول به جای پرداختن به‌این موارد کوچك بیائیم شایعه‌پراکنان وآنهائی راکه‌سعایت از دیگران وخبرچینی ــ یعنی‌کار ساواك سابق ــ را میکنند، مجازات کنیم... در محیطی‌که آلوده به جنایات وکثافات رژیم قبل است، آیا میشود قوانین اسلام را موبمو اجرا کرد؟ا باید ابتدا یك تحول فرهنگی درجامعه موردتوجه قرارگیرد وپس از تدوین قوانین عمل‌کرد.»

درتکمیل این گفته باید سخنان حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی را موکداً یادآور شد،

«... درروزنامه میخوانیم فلان‌زن رابه مناسبت اینکه فلان‌کار راکرد، اعدام‌کردند (غالباً شلاق میزنند) ممکن‌است آن‌زن شریف‌ترین زنها باشد، اما بیچاره‌اش نان ندارد ، ممکن است‌که آن‌زن از افرادی باشدکه فقط و فقط برای اینکه به بچه‌اش اینرا بفهماندکه توازبچه دیگر کمتر نیستی و برای اینکه همین مقدار بخوروبمیر را اداره‌کند، دست به‌یکسری کارها بزند، چرا نزند، کدام زنست‌که زندگیش را شما اداره کرده باشید، خانه به‌او بدهید، غذای متوسط به او بدهید، لباسش را تامین‌کنند، مگر دیوانه است‌که برود وبدکاره‌شود. این زن‌را در آنجا می‌کشد (یاشلاق میزنند) و خیال میکنند با این‌کشتن(یاشلاق‌زدن) میتواند جلو فسادرا بگیرد. توباکشتن او یك‌فرد راکشتی (یا باشلاق زدن‌یك‌فردرا آزارجسمی‌وروحی دادی) بدون‌کوچکترین اثر...»

در زمینه مجازات شلاق، خبری نیز از روزنامه‌ها (اطلاعات شماره نهم مهرماه) نقل‌کنیم، زیرعنوان «شکنجه‌گر ساواك ۴۰۰ ضربه شلاق را به۵۰۰هزار تومان‌خرید». خلاصه خبر بشرح زیرین است،

«حجت‌الاسلام شیخ‌صادق خلخالی در یك گفتگوی کوتاه باخبرنگار پارس درقم، درموردمحکومیت‌یك‌شکنجه‌گر ساواك منحله که به چهارصد ضربه شلاق ودردونوبت محکوم‌شد بعد ازتحمل چند ضربه متهم... گفت بابت هرضربه شلاق یك هزار وپانصد تومان (میدهد). بالاخره پس از چانه‌زدن(!) چهارصد ضربه شلاق را به پنج میلیون ریال با متهم مصالحه کردند... ولی‌حاکم شرع گفت، این‌شخص طعم شلاق را نچشیده است وبعنوان اینکه بفهمد زجرچیست، دستور دادند... فقط ۵۰ضربه شلاق به اوزده شود...»

ازگفته‌ها و خبری‌که نقل‌کردیم چه نتایجی میتوان گرفت؟

نخست این‌نتیجه معلوم،که شلاق زدن، زجراست و شکنجه، که در نظام نوین اجتماعی کشور ما جائی نباید داشته باشد.

دوم اینکه شلاق‌زدن زن ، بعنوان مجازات و بقصد تنبیه‌کردن مثلا زنی‌که مرتکب عمل‌منافی عفت شده، بصورتی که معمول شده، با موازین شرعیه وفق نمیدهد.

سوم اینکه شلاق‌زدن زنی که بدکاره است، وسیله ریشه‌کن کردن روسپیگری نیست.

چهارم اینکه شلاق‌زدن گرانفروش، وسیله‌ای برای جلوگیری ازگرانی وگرانفروشی نیست. روسپیگری و یا گرانفروشی‌معلول عوامل اقتصادی واجتماعی‌هستند، که تااین عوامل ازبین نرود، معلول بناچار باقی‌خواهد بود.

پنجم اینکه واقعه خرید ضربات شلاق، بیانگر این حقیقت تلخ است‌که مستکبرین(ثروتمندان حتی‌اگرشکنجه‌گر ساواك وجنایتکار حرفه‌ای باشند) میتوانند با پول ازاین مجازات نسبتاً درامان باشند، ولی‌مستضعفین(کسانی‌که پولی‌در بساط ندارند) درمعرض این‌شکنجه قرارمیگیرند.

نتیجه عمومی‌که میتوان‌گرفت، در یك جمله بیان میشود، هیچ مسئله ومشکل ناشی ازعلل اقتصادی و اجتماعی (ازجمله‌گرانی‌وگرانفروشی، احتکار، روسپیگری وغیره) را نمیتوان با شلاق یاشکنجه وبطورکلی با اعمال زورحل‌کرد .

گفته حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی‌دقیق ودرست است که باید باعلت مبارزه‌کرد ونه با معلول. مبارزه با معلول از طریق اعمال زور بی‌نتیجه است، زیرا، **«اگربنا بود زور کار کند، هنوز محمدرضا، «شاه» بود».**

کمك مالی به حزب توده ایران یك‌وظیفۀ انقلابی است

هموطنان! رفقا ودوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقۀ کارگر ایران، پس ازسی سال مبارزه درشرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی وقانونی خودرا آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی درمبارزه بخاطرتحکیم دستاوردهای انقلاب ونوسازی جامعه ما، دربرابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف ازجمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمك مالی به حزب تودۀ ایران یك وظیفۀ انقلابی است. فداکاریهای اعضاء ، هواداران ودوستان حزب دراین زمینه درگذشته غرورانگیز است. اکنون نیز مااطمینان داریم که اعضاء ، هواداران ، دوستان وهمه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند .

کمك مالی را میتوان مستقیما به دفتر حزب داد ویا با تلفنهای ۹۳۵۷۲۸،۹۳۳۴۵۹ـ آمادگی خودرا اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمك داده خواهد شد. علاوه براین، علاقمندان میتوانند کمك مالی خودرا بحساب بانکی بنام تقی کی‌منش وبه شمارۀ ۳۳۳۳، شعبۀ ۴۱۸ بانك ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق) بپردازند.

«مردم»
ارگان‌مرکزی حزب توده ایران
نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شمارۀ ۶۸
تلفن،۹۳۳۴۵۹و۹۳۵۷۲۸
چاپ، کاویان

رویدادهای جهان

اقدام مشخص درزمینه تشنج‌زدائی

لئونید برژنف‌دبیر کل کمیته مرکزی‌حزب کمونیست اتحاد شوروی، طی سخنرانی خود درمراسم باشکوه سی‌امین سالگرد جمهوری دمکراتیك آلمان، اظهار داشت‌که اتحاد شوروی ۲۰ هزار نفر از افراد نیروهای مسلح و هزار فروندتانك‌را،که بموجب قراردادهای پیمان نظامی‌ـ‌دفاعی ورشو درجمهوری‌دمکراتیك آلمان‌مستقرهستند ازاین‌کشور خارج میکند.

لئونید برژنف اظهار داشت‌که اتحاد شوروی حاضر است ازتعداد موشکهای بابرد متوسط خود بکاهد،درصورتی که‌کشورهای ناتو از تقویت نیروهای موشکی خود دراین قاره امتناع‌کنند. وی همچنین اخطارکردکه هرگاه‌امریکا نیروهای موشکی خود را درقاره اروپا باموشکهای نوع‌تازه تقویت کند ، (موشکهای برد متوسط پرشینگ و موشکهای پرتاب زمینی کروز) پیمان دفاعی ورشو مجبور خواهد شد تدابیر متقابل جدی اتخاذکند.

لئونید برژنف اعلام داشت که اتحاد شوروی هرگز علیه‌کشورهائیکه از تولید و خرید این نوع سلاح صرفنظر کنند و درخاك آنها این نوع سلاح مستقر نباشد، از سلاح هسته‌ای استفاده نخواهد کرد.

گسترش حضور نظامی امریکا دراقیانوس‌هند

سخنگوی پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) اعلام داشت‌که، ناوگروه واکنش سریع امریکا،که دراقیانوس‌هند مستقر است، با دوناو جنگی جدید تقویت شده است.اکنون مدت سی سال است که ناوگان جنگی امریکا در این منطقه استقرار یافته است . سخنگوی پنتاگون بدنبال اظهارات خودگفت‌که تقویت و افزایش بیشتر ناوگان نظامی در این منطقه درنظرگرفته شده است، از جمله دوناو جنگی دیگر به‌نیروی دریائی امریکا در خاور نزدیك پیوسته‌اند.

همکاری اسرائیل و امریکا برای مداخله نظامی در منطقه خلیج‌فارس

روزنامه اسرائیلی «یدیوت‌آکرونوت» بااستناد به منابع نظامی امریکا ، نوشته است که نیروی واکنش سریع صدوده هزار نفری امریکا مرکب از واحدهای هوابرد و تفنگداران دریائی و گروه هواپیمائی ضربتی افراد این سپاه ،که درامریکا مستقر هستند، درهرلحظه‌ای برای‌اشغال منابع نفت‌خیز در خلیج‌فارس آماده‌اند. روزنامه اسرائیلی به‌این نکته جالب اشاره میکندکه واحدهای این‌سپاه‌برای سرعت عمل میتوانند بدون تجهیزات جنگی درمنطقه پیاده شوند و در محل ازطرف ارتش اسرائیل تجهیزات لازم را دریافت دارند.

بانك «چیس مانهاتان» امریکا متعلق به‌راکفلر ثروتهای غارتی شاه مخلوع‌را حفاظت میکند

روزنامه «پاکستان تایمز» مینویسد، شاه مخلوع متجاوز از ۱۷ میلیارد دلار جواهرات، ارز و اوراق‌بهادار از ایران خارج کرده است. تمام این ثروتهای غارتی شاه مخلوع در بانك امریکائی چیس‌مانهاتان، متعلق به راکفلر نگهداری میشود.

بی‌تفاوت شدن جامعه نسبت به‌یك انقلاب مرك آن‌انقلاب است

بقیه ازصفحه ۱

حربه‌های تفتین، سنگساری، تلقین و تکرار، دسیسه‌ها و توطئه‌های مستور، چاپلوسی، عوامفریبی و ارائه‌نقشه‌های گمراه‌سازوانواع‌حربه‌های ابلیسی‌دیگر، استفاده کند وصدهادام بزرك وکوچك‌در سرراه انقلاب‌بگستراند.

اماچراکارنیروهای انقلابی‌بمراتب دشوارتراست؟ زیرا آنها مسئولیت عظیم اداره امور را،که تا دیروز از آن آزاد بودند، برعهده دارند و همه مردم، همه چیزرا از آنها می‌خواهند و از آنها می‌بینند، درحالیکه خود آنها هم متحد نیستند ودقیقاً نمیدانند، چه چیز باید جانشین چه‌چیزشود. بعلاوه برای‌ساختن نوباید‌کهنه را شکاند و شکاندن کهنه بمنافع بسیاری ، بحق وناحق ، صدمه میزند وناراضی میتراشد. درکشور ما، علاوه برهمه اینها، مشکل «تعددمراکز قدرت» هم پیدا شده و این‌مراکز قدرت درواقع یك‌چیز نمی‌خواهند، ولو درظاهر بهم تعارف میکنند وباهم موقتاً کنار میآیند. وحال‌آنکه هر انقلابی، دراین دورانهای پیچیده، بوحدت اراده و عمل (بدون نقض آزادیهای ضرور) نیازمند است.

درچنین‌شرایطی، حفظ شوروهیجان انقلابی‌مردم‌کارساده‌ای نیست. درست‌است که وجود یك رهبر مذهبی ــ سیاسی بانفوذ، باتوجه باعتقادات‌مذهبی‌قشرهای وسیع مردم ودلبستگی آنها به انقلاب، تا حدود زیادی‌کار انجام میدهد و کمك میکند. باین نکته ، امام خمینی، بارها درسخنان‌خود توجه داده‌است واین‌مطلب دارای هسته منطقی‌وعقلایی‌است. ولی در عین‌حال موضوع را نباید ساده کرد یا در آن غلو ورزید، اگر هرج و مرج، احکام ناسخ ومنسوخ، سازشکاریهای آشکار یا نهان، مستقیم یا غیر مستقیم با امپریالیسم ونیروهای راست، چرخش‌های‌ضدخلقی،وخامت روزافزون‌اقتصادی اعمال اسلوبهای ورشکسته رژیم‌گذشته‌در زیرعناوین تازه، مدتی‌ادامه یابد، شعله‌های شوق اندك‌اندك فرومی‌نشیند وحتی ساده دل‌ترین و صمیمی‌ترین مؤمنان به مذهب ووفاداران به انقلاب نیز در زیر فشارمحیط خودناچار به سکوت‌میشوند.

روزی‌که کودتای ۲۸مرداد علیه دکترمصدق روی داد، مردم زیادی به خیابان آمده‌بودند، ولی با «بی‌تفاوتی» به حادثه‌ای که در حال گسترش بود، نگریستند. در همین زمینه ــ گرچه تشبیهات تاریخی‌همیشه دقیق نیست ــ تا حدی میتوان وضع انقلاب بنگلادش و لیدر با نفوذ آن مجیب‌الرحمن را نیز یادآوری کرد. وقتی‌مجیب‌الرحمن،همراه خانواده‌اش، با آن قساوت از طرف مخالفان خودکشته شد، دیگر از شور و شوق طوفانی وانفجاری آنروزی که وی از زندان پاکستان آزاد شده و بوطن بازگشته بود، خبری نبود. آری، درست است‌که مسائل معنوی و مذهبی تأثیر فراوان درجامعه ما، بویژه در قشرهای مستضعف دارد. ولی‌این‌مطلب خوددارای حدود وثغوری است. بدون‌شك‌کسانی تا آخر وفادارخواهند ماند، ولی‌درصورت غلبه فلج «بی‌تفاوتی»، این‌وفاداران تا آخرخط، نمیتوانندکاری از پیش ببرند. در تاریخ دین اسلام و مذهب جعفری، بارها بزرگانی مانند پیغمبر اسلام ، علی‌ابن‌ابیطالب و حسین‌ابن‌علی، بااین بی‌وفایی وانفراد روبرو شده‌اند، باتمام مقام زبده مذهبی‌که داشتند.

خوشبختانه ابتکاراصلی هنوزبطور قوی در دست رهبری انقلاب است. **ولی** دیگر بنهایت درجه، وقت‌آن رسیده‌است که رهبران انقلاب بیك بررسی **تحلیلی** عمیق وجامع‌اوضاع دست بزنندونتیجه‌گیریهای **قاطعی** از این بررسی بعمل آورند و آنها را با **درایت و تدبیر اجرا کنند**، تاجلوی فاجعه‌های مکنون سدگردد وبرخی اشتباهات، که‌میتواند هلاکت‌بار باشد، تکرار نشود.

روح این نتیجه‌گیریها باید ایجاد اطمینان درقلوب طبقات وقشرهای‌مترقی جامعه‌ما باشد، دال‌برآنکه انقلاب **ادامه**خواهد یافت، **آزادی**تامین‌خواهد بود، **استقلال**تحکیم خواهدشد، **عدالت اجتماعی** برقرار خواهدگردید و**ترقی مدنی** درمسیر سالم پیش خواهدرفت.

روزی‌بودکه‌انقلاب،جنایتکاران‌رژیم پهلوی را مجازات میکرد و زندانیان سیاسی‌راآزاد می‌نمود. امروز روزی‌شده که‌کسانی مانندامیرانی، که‌وردش‌مدیحه محمدرضا پهلوی بود، از زندان آزاد میشوند وکسانی‌مانند آذر نوش‌مهدویان که‌تمام عمرآگاهانه خودرابا‌امپریالیسم واستبداد رزمیده‌اند، اعدام!

این وقایع دردناك، هشداردهنده و عبرت‌آموزاند. باید تا دیر نشده بخود آمد.

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیك مردم ایران باشد